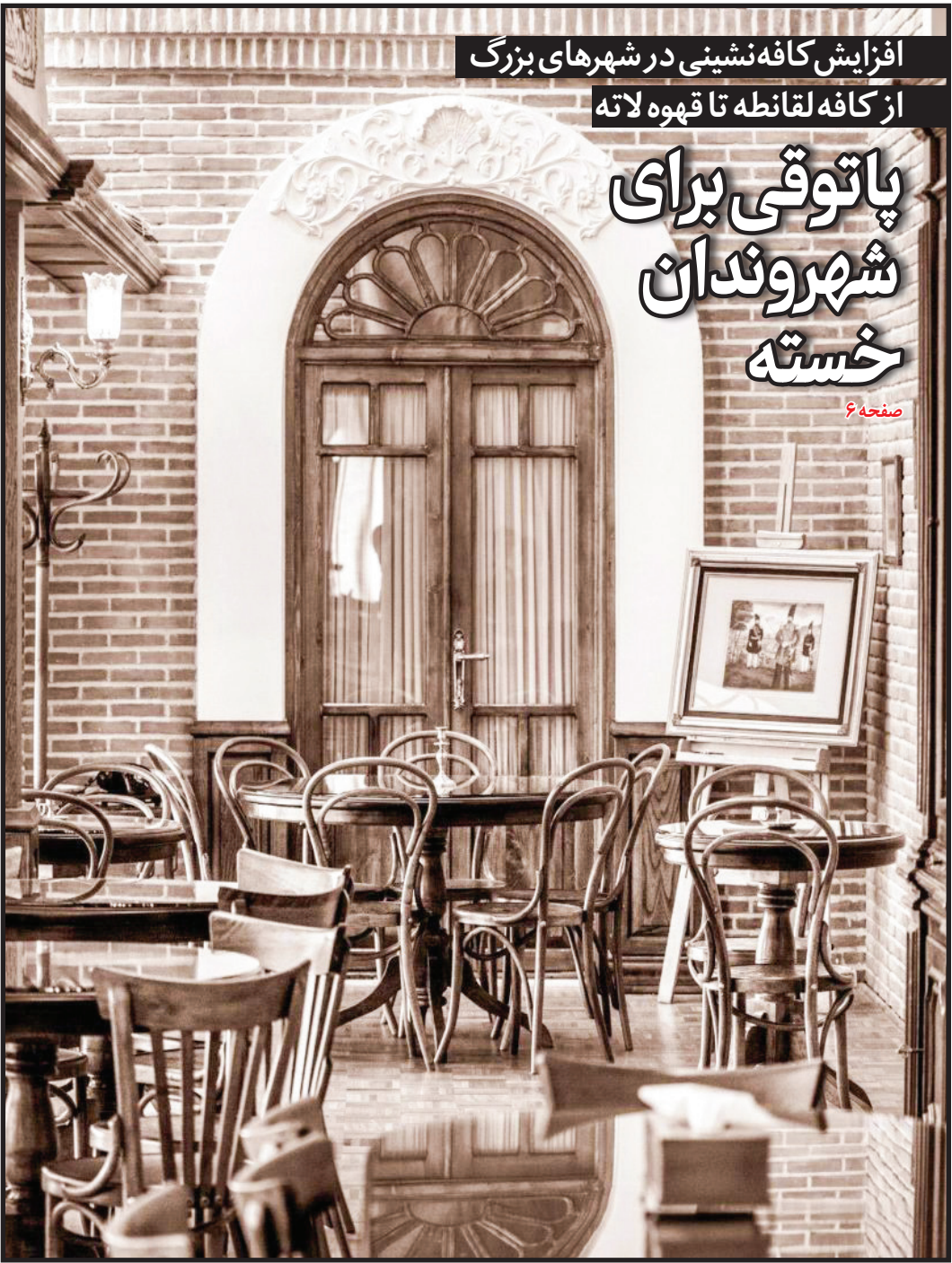




گزارش

مشغول تحصیل اند.» اما این سفر همیشه پایان خوشی ندارد. ۷۵ درصد این دانشجویان در دانشگاه‌هایی درس می‌خوانند که مدرکشان نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای دیگر معتبر نیست. تصور کنید جوانی با هزار آرزو و با حمایت مالی خانواده‌اش راهی کشوری غریب می‌شود، اما پس از سال‌ها تلاش و هزینه، با مدرکی به خانه برمی‌گردد که هیچ ارزشی ندارد. مسعودی این را «مهاجرت اجباری» می‌نامد: «این جوانان با چشم‌گرین از کشور می‌روند. خانواده‌ها سرمایه‌زنگی‌شان را خرج می‌کنند، اما نتیجه؟ جوانی که نمی‌تواند در کشورش طبابت کند یا حتی شغلی مرتبط با رشته‌اش پیدا کند.» این داستان گاهی تلخ‌تر هم می‌شود. برخی از این دانشجویان، به دلیل مشکلات مالی، مجبور به انجام کارهای غیرقانونی می‌شوند تا شهری به دانشگاه را بپردازند. حتی مواردی از افسردگی شدید و خودکشی در میان این جوانان گزارش شده است. اینجاست که رویای پزشکی، به کابوسی سنگین تبدیل می‌شود.

چالش‌های افزایش ظرفیت پزشکی

اما چرا نمی‌توان به سادگی ظرفیت رشته‌های پزشکی را افزایش داد؟ اکبری توضیح می‌دهد: «ما در چهار سال گذشته ظرفیت دانشجویان پزشکی را دو برابر کرده‌ایم و حالا ۱۶ هزار دانشجوی پزشکی داریم، اما کمبود بودجه، اسناد و زیرساخت‌های آموزشی، مانع بزرگی است.» او اضافه می‌کند که حتی اگر بودجه کافی برای ساخت بیمارستان و دانشگاه فراهم شود، مشکل دیگری سر راه است: کمبود بیمار! «برای تربیت پزشکان بیشتر، نیاز به بیمار و بیمارستان داریم. در مناطق محروم، تأسیس مطب یا بیمارستان خصوصی برای پزشکان به صرفه نیست، چون مردم توان پرداخت هزینه‌های ویزیت را ندارند.» این واقعیت تلخ نشان می‌دهد که مسئله فقط به کمبود ظرفیت دانشگاهی محدود نمی‌شود. اکبری می‌گوید: «ما در حال حاضر پزشک به اندازه کافی داریم. مشکل این است که در مناطق محروم، پزشکان انگیزه مالی برای کار ندارند و به همین دلیل به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.»

راهکارهایی برای تغییر مسیر

برای حل این معضل پیچیده، مسعودی چند پیشنهاد دارد. او معتقد است که باید دافقه داوطلبان کنکور را تغییر داد: «اگر مشاغل مناسب برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های دیگر ایجاد شود، جوانان کمتر به سمت پزشکی هجوم می‌برند.» او همچنین پیشنهاد می‌دهد که قدرت انتخاب داوطلبان در زمان انتخاب رشته افزایش یابد. «بسیاری از داوطلبان کنکور که در پزشکی پذیرفته نمی‌شوند، توانایی تحصیل در رشته‌های برتر مهندسی یا علوم پایه را دارند، اما گزینه‌های محدودی پیش رویشان است.»

آینده‌ای که باید ساخت

مسئله مهاجرت تحصیلی و تب کنکور، مشکلی چندوجهی است که راه‌حل‌های ساده ندارد. از یک سو، جوانان و خانواده‌هایشان در جست‌وجوی آینده‌ای بهتر، گاهی راه‌های پرخطر را انتخاب می‌کنند. از سوی دیگر، سیستم آموزشی و بازار کار کشور با چالش‌هایی روبه‌روست که نیاز به اصلاحات عمیق دارد. این داستان، داستان هزاران جوان ایرانی است که در پیچ‌وخم کنکور و انتخاب رشته، در جست‌وجوی آینده‌ای روشن‌اند. شاید وقت آن رسیده که به جای فرستادن رویاها به آن سوی مرزها، بستری فراهم کنیم تا این استعدادها در خاک وطن شکوفا شوند.

چرا با عرضه خودروهای داخلی در بورس کالا مخالفت می‌شود؟

پشت پرده بازار خودرو از رانت تارکود

فاصله قیمت کارخانه و بازار برای مصرف‌کنندگان واقعی زیان‌بار است اما دلال‌ها و رانت‌داران از همین اختلاف قیمت سود می‌برند

در حالی که عرضه خودرو در بورس کالا می‌تواند نقطه آغاز شفاف‌سازی قیمت‌ها و پایان رانت‌های پنهان موجود در بازار خودرو باشد، مقاومت‌هایی سازمان‌یافته و هدفمند برابر این سیاست شکل گرفته‌اند. این گزارش، روایتی تحلیلی و پیوسته از دلایل مخالفت با عرضه خودرو در بورس کالا است؛ مخالفتی که پیش از آن که فنی یا اقتصادی باشد، ریشه در منافع ساختاری و شبکه‌ای دارد که از نابسامانی بازار خودرو تغذیه می‌کنند...

صفحه ۲

وقتی فرهنگ ایرانی به فراموشی سپرده می‌شود، درد جای آن را می‌گیرد

از حنای بهشتی تا زخم تتو

صفحه ۵

قاجاقچیان بین‌المللی ایرانی و عراقی اعضای بدن در انتظار محاکمه

فروش کلیه تا ۷۰ میلیارد تومان

صفحه ۶

پیش‌بینی ایلان ماسک، مارک زاکربرگ و بیل گیتس از آینده فناوریانه

فردای بشر از نگاه سه نابغه

صفحه ۴

کلانی از رفاقت با داریوش مصطفوی می‌گوید

خاطرات خط حمله نسل طلایی فوتبال ایران

صفحه ۷

سر مقاله

ریال چهار صفرش را از دست می‌دهد؟

جراحی زیبایی روی پول ملی

در کشوری که واحد پولش سال‌هاست سیر نزولی طی می‌کند و ارزش آن روزبه‌روز همچون برف در آفتاب تابستان آب می‌شود و مردم هر روز حین خرید اقدام و نیازهای اساسی شاهد فرو ریختن ارزش ریال هستند، اندیشه حذف صفرهای پول ملی همانند جراحی زیبایی روی کالبد بیمار مبتلا به سرطان است. در این فرایند ظاهر ارقام کوچک می‌شود، حسابداری ساده‌تر، اما بیماری اصلی یعنی تورم همچنان می‌سوزاند. طرحی که بارها در ایران روی میز آمده، اما هر بار پیش از اجرا کنار رفته، در بسیاری از کشورها تجربه شده؛ گاهی موفق، گاه فاجعه‌بار. اما چرا دولت‌ها به حذف صفر فکر می‌کنند؟ آیا این سیاست کارساز است یا فقط کار حسابداری را راحت‌تر می‌کند؟

سابقه جهانی: از وایمار تا ترکیه

نخستین نمونه ثبت‌شده حذف صفرها نه در آلمان جمهوری وایمار در سال ۱۹۲۳ رخ داد. تورمی نجومی، ناشی از بدهی‌های جنگی و چاپ بی‌رویه اسکناس، ارزش مارک آلمان را چنان فرو کاست که مردم برای خرید نان، چمدان پول با خود می‌بردند. در پاسخ، مارک جدید معرفی شد، با حذف صفرها و به تدریج اعتماد عمومی بازبایی شد اما همچون درمانی موقت بود و تا جمهوری وایمار فرو نپاشید و تن به رژیم هیتلر نداد، ماشین انتشار پول بانک مرکزی آلمان خاموش نشد. از آن زمان، بیش از ۷۰ مورد حذف صفر در جهان، عمدتاً در کشورهای در حال توسعه، ثبت شده است. برزیل رکورددار جهانی در این زمینه است: از دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۹۴، طی شش مرحله ۱۸ صفر از پول ملی خود حذف کرد و نام واحد پولی را هشت بار تغییر داد. آروانتین نیز با چهار مرتبه حذف صفر از پیشگامان است اما این اقدام هرگز راه به جایی نبرد تا زمانی که خاویر میلی رئیس‌جمهور جدید آروانتین با اقدامات اصلاحی خود تورم را از ۲۱۲ درصد به زیر سی درصد رساند و توانست تورم ساختاری خود را مهار کند. در میان تجربه‌های موفق، ترکیه در سال ۲۰۰۵ نمونه چشمگیر است. پس از آن که تورم مزمن دهه‌های ۸۰ و ۹۰ ارزش لیر را کاست و صفرها مقابل اعداد تا سطح میلیون‌ها صف کشیدند، دولت با همکاری صندوق بین‌المللی پول ابتدا اصلاحات اقتصادی را پیش برد و نرخ تورم را به زیر ۱۰ درصد رساند. سپس با حذف ۶ صفر، «لیر جدید» جایگزین شد و اعتماد به واحد پول بازگشت.

در سوی مقابل، زیمبابوه تجربه‌ای ناکام بود. از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، طی چهار مرتبه، در مجموع ۲۵ صفر از دلار زیمبابوه حذف شد، اما بدون اصلاح ساختار اقتصادی، تورم افسارگسیخته دوباره صفرها را بازگرداند و در نهایت کشور مجبور به پذیرش دلار آمریکا و رند آفریقای جنوبی شد.

چرا دولت‌ها صفرها را حذف می‌کنند؟

دولت‌ها زمانی به حذف صفر از پول ملی فکر می‌کنند که دیگر هیچ‌یز در اقتصادشان عادی به نظر نمی‌رسد. آن چه روزگاری اسکناس هزار تومانی بود، حالا ارزشش به اندازه یک شکلات ارزان قیمت هم نیست. قیمت‌ها چنان جهیده‌اند که خرید ساده یک پاکت شیر یا پرداخت کرایه تاکسی نیازمند اسکناس‌هایی است که پر از صفر است. اعداد روی برچسب کالاها، طولانی‌تر از شماره تلفن شده‌اند و ذهن مردم دیوان‌تر درک مقیاس‌ها را ندارد. وقتی نوبت به خرید خودرو و طلا و خانه می‌رسد تعداد صفرها چشمگیرتر هم می‌شود.



چرا با عرضه خودروهای داخلی در بورس کالا مخالفت می‌شود؟

پشت پرده بازار خودرو؛ از رانت تارکود

فاصله قیمت کارخانه و بازار برای مصرف کنندگان واقعی زبان بار است اما دلایل ها و رانت داران از همین اختلاف قیمت سود می‌برند



مونا موسوی
هفت صبح

در حالی که عرضه خودرو در بورس کالا می‌تواند نقطه آغاز شفاف‌سازی قیمت‌ها و پایان رانت‌های پنهان موجود در بازار خودرو باشد، مقاومت‌هایی سازمان‌یافته و هدفمند برابر این سیاست شکل گرفته‌اند. این گزارش، روایتی تحلیلی و پیوسته از دلایل مخالفت با عرضه خودرو در بورس کالا است؛ مخالفتی که بیش از آن که فنی یا اقتصادی باشد، ریشه در منافع ساختاری و شبکه‌ای دارد که از نابسامانی بازار خودرو تغذیه می‌کنند.

آغاز یک تقابل؛ نامه‌ای که پرده‌ها را کنار زد

ماجرای بازار خودرو عجیب شده؛ از یک‌سو تقاضا برای ثبات‌نام خودرو کاهش یافته و رکود بیشتر بازار را فرا گرفته و از سوی دیگر همچنان عرضه خودرو در بورس کالا با مقاومت زیادی روبه‌روست. پشت‌پرده منافع خارج بورس کالا را نامه‌ای آغاز شد که رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار منتشر کرد؛ نامه‌ای رسمی که در آن اعلام شد بورس کالا آمادگی دارد خودرو را به‌عنوان کالایی قابل عرضه، وارد چرخه شفاف‌سازی قیمت کند. این پیشنهاد، در ظاهر یک گام برای اصلاح قیمت بود اما در عمل به نقطه آغاز یک تقابل ساختاری بدل شد.

«شورای رقابت» به‌عنوان یکی از نهادهای ناظر، بلافاصله مخالفت خود را اعلام کرد. استدلال این شورا چنین بود: بورس کالا جای محصولات رقابتی نیست اما خودروهای اقتصادی ایران عمدتاً ارزان‌تر از خودروهای وارداتی هستند و به نوعی مشمول عرضه انحصاری‌اند و نباید در بورس قیمت آنها کشف شود، بلکه باید با مکانیزم قیمت‌گذاری در بازار عرضه شوند.

این مخالفت، برخلاف ظاهر کارشناسی، در بطن خود حامل نشانه‌هایی از مقاومت در برابر قیمت‌گذاری در بازار بود؛ مقاومتی که به نفع شبکه‌های پنهان اما قدرتمند بازار خودرو تمام می‌شد.

تجربه‌ای که نباید تکرار می‌شد

در گذشته، برخی خودروهای داخلی برای مدتی محدود در بورس کالا عرضه شدند. نتیجه این سیاست، کاهش نسبی قیمت‌ها در بازار آزاد، کنترل تقاضای هیجانی و نزدیک شدن قیمت کارخانه به قیمت بازار بود. این تجربه موفق، اگرچه کوتاه بود اما نشان داد که عرضه در بورس می‌تواند نظم تازه‌ای به بازار خودرو ببخشد. اما همین موفقیت، برای برخی ذی‌نفعان تهدیدی جدی بود. مافیای بازار خودرو که از شکاف قیمتی و ابهام در عرضه سود می‌برد، به سرعت وارد عمل شد. با فشارهای غیررسمی از طریق برخی نمایندگان مجلس، لابی‌های هدفمند و استفاده از ابزار قانونی، این تجربه متوقف شد، بی‌آن که دلایل واقعی آن به‌طور شفاف اعلام شود. هر چند ادعاهایی که می‌شد متغیر با تاثیر عرضه خودرو در بورس کالا بود.

مافیای چگونه عمل می‌کند؟

مافیای بازار خودرو، برخلاف تصور رایج، یک گروه مشخص نیست؛

بلکه شبکه‌ای است از منافع درهم‌تنیده، شامل واسطه‌گران، تصمیم‌سازان غیررسمی و حتی برخی نهادهای رسمی که از نابسامانی بازار سود می‌برند. این شبکه با استفاده از چند مکانیسم کلیدی، مانع از عرضه خودرو در بورس کالا می‌شود؛ نخست با حفظ شکاف قیمتی که فاصله شدید بین قیمت کارخانه و بازار آزاد است، بستری برای سودهای کلان غیررسمی از طریق دفاتر نمایندگی خودرو یا سهمیه‌های خاص فراهم می‌کند. عرضه در بورس این شکاف را از بین می‌برد و این یعنی پایان سودهای پنهان.

دوم، نفوذ در سیاست‌گذاری که عمدتاً از طریق مجلس اتفاق می‌افتد، هر چند مجلسی‌ها این موضوع را رد می‌کنند اما چندین بار لابی‌گری در نهادهای تصمیم‌گیر، مانع تصویب یا اجرای برخی سیاست‌هایی شدند که به شفافیت بازار خودرو منجر می‌شد. سوم، استفاده ابزاری از قیمت‌گذاری دستوری، برای عده‌ای نان دارد، سیاستی که به ظاهر برای حمایت از مصرف‌کننده طراحی شده، در عمل به ابزاری برای کنترل بازار و حفظ رانت تبدیل شده است. این مسئله باعث شد با عرضه محدود و زمان‌بندی نامشخص خودرو به بازار، مافیا بتواند قیمت‌ها را در دو سطح متفاوت کارخانه – بازار آزاد مدیریت کند و سود ببرد.

بنابراین هر بار که سامانه‌ای مانند بورس کالا یا سامانه یکپارچه

فروش خودرو راه‌اندازی می‌شود، مافیا با ایجاد اختلال، تاخیر یا مخالفت‌های قانونی، مانع از تثبیت آن می‌شود.

چرا مخالفت‌ها ادامه دارد؟

دلایل مخالفت با عرضه خودرو در بورس کالا، اگرچه در ظاهر فنی و کارشناسی بیان می‌شوند اما در واقعیت، به حفظ منافع مافیایی گره خورده‌اند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از: ادعای افزایش قیمت در بورس؛ مخالفان می‌گویند عرضه در بورس باعث رشد قیمت‌ها می‌شود، در حالی که تجربه گذشته نشان داد قیمت‌ها در بازار آزاد کاهش می‌یابد. محدودیت عرضه؛ گفته می‌شود عرضه محدود در بورس باعث افزایش تقاضای کاذب می‌شود اما این محدودیت خود نتیجه فشار همان شبکه‌هایی است که نمی‌خواهند عرضه گسترده شود.

تردید در شفافیت بورس کالا؛ برخی نهادهای مدعی‌اند که بورس کالا شفاف نیست، در حالی که این بستر دقیقاً برای شفاف‌سازی طراحی شده و عملکرد آن در سایر کالاها با ادعای عرضه شفاف انجام شده است. اصرار بر عملکرد سامانه‌های دولتی؛ وزارت صمت، سامانه یکپارچه فروش را تنها مرجع قانونی عرضه خودرو می‌داند اما این سامانه نیز بارها با اختلال مواجه شده و تأثیری در کاهش قیمت نداشته است. آنچه امروز رخ داده و به عنوان کاهش فاصله قیمت کارخانه و بازار مطرح شده در نتیجه افزایش شدید قیمت کارخانه است و عملاً قیمت‌های بازار تعدیل نشده‌اند و حتی نسبت به سال گذشته نیز افزایش داشته‌اند.

بنابراین بازار خودرو ایران، امروز بیش از آن که برای عرضه در بورس کالا با چالش‌های فنی مواجه باشد، درگیر نبردی ساختاری میان شفافیت و تاریکی است. عرضه خودرو در بورس کالا، می‌توانست نقطه آغاز اصلاحات باشد اما مخالفت‌های هدفمند و سازمان‌یافته نشان داد که مافیای بازار خودرو هنوز قدرتمند است.

این مافیا با استفاده از ابزارهای قانونی، نفوذ سیاسی و روایت‌های فنی، مسیر شفاف‌سازی را مسدود کرده و تا زمانی که این ساختارها اصلاح نشوند و اراده‌ای سیاسی برای مقابله با منافع پنهان شکل نگیرد، بازار خودرو همچنان در گرو رانت، انحصار و نابسامانی باقی خواهد ماند. همان‌طور که «سعید مدنی» هشدار داده بود، «دست‌هایی در دل بازار وجود دارد که مانع از شفاف شدن آن می‌شوند» و این دست‌ها، هنوز پنهان مانده‌اند.

شهادتی از دل صنعت خودرو
«سعید مدنی» مدیرعامل اسبق سایپا در گفت‌وگو با «هفت‌صبح» با صراحت واقعیت رانت در بازار را تأیید می‌کند و می‌گوید: «به طور قطع عرضه خودرو در بورس کالا، مسیری در جهت رفع قیمت‌گذاری دستوری است و به نفع خودروسازان محسوب می‌شود اما دست‌هایی در دل بازار وجود دارد که مانع از شفاف شدن بازار خودرو می‌شوند.»

او ادامه می‌دهد: «عده‌ای از نابسامانی بازار خودرو سود می‌برند، به همین دلیل مانع از عرضه خودرو در بورس کالا می‌شوند. به طور قطع فاصله بین قیمت کارخانه و بازار برای مصرف‌کنندگان واقعی زبان‌بار است اما دلایل ها و رانت‌داران از همین اختلاف قیمت سود می‌برند. حالا این دلال‌ها می‌توانند در هر کجای معادله باشند. به طور قطع این وظیفه دولت است که آنها را حذف کند.»

این جملات، نه فقط هشدار، بلکه سندی غیررسمی از وجود ساختاری است که با تمام توان در برابر اصلاحات ایستاده است.



عرضه خودرو در بورس کالا، به‌رغم تجربیات مثبت گذشته، تهدیدی برای افزایش قیمت در بازار عنوان می‌شود درحالی‌که تجربه قبلی عکس این موضوع را نشان می‌دهد. این در حالی‌ست که دولت در مسیر خصوصی‌سازی صنعت خودرو می‌رود و در نهایت باید دست از قیمت‌گذاری بردارد

قیمت‌های داغ و سفره‌های سرد

خوراکی‌ها؛ روی دور تند گرانی می‌رقصند

افزایش ۲۴۰ درصدی قیمت لوبیا چیتی و جهش نزدیک به ۹۵ درصدی لبنیات، تصویری هولناک از معیشت امروز ایرانی‌ها ارائه می‌دهد

در تیرماه داغی که گذشت، فقط آفتاب نبود که سوزاند؛ گرمای بی‌رحم قیمت‌ها هم معیشت مردم را سرخ کرد. سفره‌هایی که هر روز کوچک‌تر می‌شوند و قفسه‌هایی که در سوپرمارکت‌ها بیشتر از آنکه لبریز از کالا باشند، مملو از عدد ورق‌اند؛ عده‌هایی که دیگر فقط خبر از تورم نمی‌دهند، بلکه گاه بوی ناامیدی می‌دهند.

آخرین گزارش مرکز آمار ایران از تغییرات قیمت مواد خوراکی، تصویری تکان‌دهنده از وضعیت معیشتی مردم ارائه می‌دهد. برخی اقلام خوراکی نه‌تنها دچار افزایش قیمت شده‌اند، بلکه جهش‌هایی فراتر از تصور را تجربه کرده‌اند. لوبیا چیتی به‌تنهایی با ۲۴۰ درصد افزایش، صدرنشین جدول گرانی‌هاست و این تنها یک نمونه از موج گسترده گرانی در حوزه حبوبات است. برنج ایرانی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های تغذیه در کشور، جهشی ۱۳۴ درصدی داشته و لبنیاتی که باید با قیمت‌گذاری دستوری حمایت می‌شدند حالا با رشد‌های ۷۰ تا ۹۰ درصدی، دست‌نیافتنی‌تر از همیشه‌اند.

این فقط داستان یک سال نیست. شتاب قیمت‌ها در تیرماه حتی نسبت به ماه پیش از آن هم نشانه‌هایی از وخامت بیشتر دارد. حالا مردم با یک چشم به قفسه‌ها نگاه می‌کنند و با چشم دیگر به کیف پولشان و در این میان ترس از فردا، آرامش را از امروز ربوده است.

در روزگاری که وعده یارانه و کنترل بازار، تنها در تیتراهِ تکرار می‌شود، واقعیت آن چیزی است که بر چسب‌های روی کالاها فریاد می‌زند: سفره مردم هر روز خالی‌تر می‌شود. آخرین گزارش مرکز آمار ایران هم که هفته گذشته منتشر شد، نشان می‌دهد مواد غذایی در یک سال منتهی به پایان تیرماه سال جاری، یعنی از ۳۱ تیرماه سال ۱۴۰۳ تا آخرین روز از تیرماه سال ۱۴۰۴، حتی افزایش تورم سه رقمی را هم تجربه کرده‌اند که باعث فشار حداکثری به معیشت مردم می‌شود.

لوبیا چیتی؛ صدرنشین گرانی‌ها در یک سال گذشته

طبق جدولی که مرکز آمار منتشر کرده است، لوبیا چیتی صدرنشین گرانی در حوزه خوراکی‌ها بوده. قیمت هر کیلوگرم از این محصول بر مصرف‌ر سفره ایرانی‌ها، از ۱۱۵ هزار تومان در سال قبل، با رشد ۲۳۹٫۸ درصدی به ۳۹۳ هزار تومان در تیرماه امسال رسیده است. البته این گرانی در حوزه حبوبات، فقط از لوبیا چیتی محدود نمانده و نخود ۱۰۴ درصد، لوبیا قرمز ۱۱۷ درصد، عدس ۸۲ درصد و لپه هم ۱۳۴ درصد رشد قیمتی را در این بازه زمانی به ثبت رسانده‌اند که نشان می‌دهد تورم متوسط در حبوبات کشور بالای ۱۳۵ درصد بوده است.

آخرین گزارش مرکز آمار ایران از تغییرات قیمت مواد خوراکی، تصویری تکان‌دهنده از وضعیت معیشتی مردم ارائه می‌دهد. برخی اقلام خوراکی نه‌تنها دچار افزایش قیمت شده‌اند، بلکه جهش‌هایی فراتر از تصور را تجربه کرده‌اند

اوضاع وحشتناک برنج داخلی و خارجی

برنج، پای ثابت سفره‌های ایرانی هم در یک سال گذشته، داستان تلخی برای مصرف‌کنندگان رقم زده است. طبق گزارش مرکز آمار ایران، متوسط قیمت هر کیلو برنج داخلی در تیرماه سال گذشته ۱۲۰ هزار تومان بود که با جهش خیره‌کننده ۱۳۴ درصدی طی فقط یک سال، به میانگین قیمتی ۲۸۰ هزار تومان بالغ شده است. کمترین قیمت برنج داخلی در این ماه از قرار هر کیلو ۲۱۳ هزار تومان و بیشترین قیمت این محصول هم ۳۱۸ هزار تومان گزارش شده است. برنج خارجی وارداتی هم البته کم‌گران نشده است. طبق این گزارش، میانگین قیمت هر کیلو برنج وارداتی که در تیرماه سال قبل ۶۱ هزار تومان بود، امسال به ۹۴ هزار تومان رسیده

که ارزان‌ترین آن، از قرار هر کیلو ۷۲ هزار تومان و گران‌ترین نوع آن با قیمت ۱۲۸ هزار تومان به دست مردم رسیده است.

افزایش قیمت لبنیات با وجود قیمت‌های دستوری
گروه لبنیات نیز که قیمت‌گذاری در محدوده آنها به صورت دستوری و با ادعای پرداخت یارانه همراه است، از رهگذر افزایش شدید قیمت‌ها در امان نمانده است. صدرنشین گرانی در این گروه، کره پاستوریزه با ۹۳٫۵ درصد تورم یک ساله بوده که قیمت هر قالب ۱۰۰ گرمی آن را از ۳۳ هزار تومان به ۶۳ هزار تومان رسانده است. شیر پاستوریزه، شیر خشک، خامه، ماست، دوغ و پنیر نیز افزایش قیمت‌هایی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد را در این مدت ثبت کرده‌اند.

لیمو ترش؛ نویر میوه‌های ایرانی

در گروه میوه و سبزیجات، هم رشد قیمت سنگین ثبت شده و هم کاهش قیمت. در جدول اعلام شده از سوی مرکز آمار که به تغییرات قیمتی حدود ۵۳ ماده خوراکی می‌پردازد، تنها قیمت کاهش یافته در تیرماه سال جاری به هندوانه اختصاص دارد که قیمت آن از هر کیلو ۱۷ هزار تومان در تیرماه سال قبل به ۱۶ هزار تومان در پایان تیر ۱۴۰۴ رسیده است؛ موضوعی عجیب که نشان می‌دهد با وجود تمامی هشدارهایی که درباره کم‌ی ایران داده می‌شود، همچنان

شتاب قیمتی در تیرماه

در بخش دیگری از این گزارش، تغییرات ماهانه قیمت کالاها نیز تصویر شده است. طبق این آمار، در گروه «نان و غلات» برنج ایرانی درجه یک با ۲۸ درصد، «برنج خارجی درجه یک» با ۱۰ درصد و «ماکارونی» با ۹٫۵ درصد بیشترین افزایش قیمت را نسبت به خردادماه داشته‌اند. «مرغ ماشینی» هم با ۱۰٫۹ درصد و «گوشت گاو یا گوساله» هم با ۴٫۸ درصد جزو سایر مواد غذایی بودند که در تیرماه، تب تند قیمتی گرفتند. علاوه بر این در زیرگروه «قند و شکر، آدامه‌های قندی و سایر خوراکی‌ها»، بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به «چای خارجی بسته‌ای» با ۷ درصد، «رب گوجه فرنگی» با ۶٫۸ درصد و «شکر» با ۶٫۵ درصد بود که نشان می‌دهد علاوه بر افزایش شدید قیمت‌ها در یک سال گذشته، این تورم در تیرماه، شتاب فزاینده‌تری نسبت به خرداد داشته است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۵۴۷۱/۰۲۶۰۳۰۲۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ هیات سوم متقاضی آقای سید مالک هاشمی به شناسنامه شماره ۳۱ کدملی ۱۱۲۹۷۲۳۸۰۱ صادره فرزند سید موسی نسبت به شناساندن یک باب خانه به مساحت ۲۰۷/۵۷ متر مربع از پلاک شماره ۱۴۹۱/۵۶۱ واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان با توجه به تقاضانامه ارائه شده و مستندات ضمیمه شامل (مالک رسمی اسماعیل دقتانی به موجب سند ۱۸۲۱۹ مورخ ۵۲/۵/۷ دفتر ۸۲ اصفهان بوده که مورد درخواست مع الواسطه به متقاضی واگذار و تعدادی از شهود آن را تأیید نموده اند) . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین زمانی علویچه
رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۱۹۷۵۴۷۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

آگهی فقدان سند مالکیت اصلی صادره و تحریر شده

نظر بر اینکه مقدار سه دانگ ششاع از شناسنگ یک واحد آپارتمان مسکونی به شماره پلاک ۸ فرعی از ۵۷۱۲ اصلی واقع در بخش ۲ اردبیل بنام آقای احسان بخشی ایمنجه به شماره جایی ۸۶۶۵۴۰ سری ب سال ۹۸ که بشرح دفتر الکترونیکی شماره ۱۸۲۶/۰۳۰۲۰۱۰۰۱۲۹۹۲۰۳۰۲۰۱۰۰ ثبت و سنددار گردیده است و نیز مقدار سه دانگ ششاع از شناسنگ یک واحد آپارتمان مسکونی به شماره پلاک مرقوم بنام خانم هاجر کریمی به شماره جایی ۸۶۶۵۲۹ سری ب سال ۹۸ که دفتر الکترونیکی شماره ۱۸۲۷/۰۳۰۲۰۱۰۰۱۲۹۹۲۰۳۰۲۰۱۰۰ ثبت و سند صادر گردیده است به علت نامعلومی مفقود شده است و متقاضی با ارائه برگ شهود گواهی شده در دفترخانه ۶۳ ردبیل تقاضای سند مالکیت المثنی نموده است و مفقود شدن سند مالکیت طی بخشنامه به شماره شناسه بکنا ۰۲۱۸۴۰۰۰۱۴۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ و ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ به کلیه ذقار اسنادر سعی ابلاغ گردیده است لذا مراتب مطلق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت اسناد و املاک و تبصره یک ذیل آن آگهی می گردد که هر شخص یا اشخاصی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشند باید تا ده (۱۰) روز پس از تاریخ انتشار این آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو اردبیل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله کتبا تسلیم نمایند. در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مذکور و پس از طی مراحل اداری و تشریفات قانونی طبق مقررات سند المثنی بنام متقاضی صادر و تسلیم و خواهد شد و سند اولیه از درجه اعتبار خارج خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

فرستعلی عابدی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو اردبیل

۲۸۰

آگهی ماده ۱۰ آیین نامه اجرائی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن شهرستان سرعین

برابر آراء هیات حل اختلاف موضوع قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقر در واحد ثبتی شهرستان سرعین تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضیان ذیل مجرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا بشرح ذیل به منظور اطلاع عموم در یک نوبت آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت بیست روز اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست را به مرجع قضایی تقدیم نمایند؛ رای شماره ۳۶۵۱ – ۱۴۰۴/۰۴/۲۵؛ بنام آقای مالک جعفرزاده مقدم فرزند رحیم نسبت به شناساندن یک قطعه زمین محصور به شماره ۱۳۶۸۸ فرعی از ۳۱۰ اصلی به مساحت ۲۰۰۷ متر مربع بدیهی است در صورت انقضای مهلت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بهیود محمدی- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان سرعین

۲۸۱

یادداشت

دیپلماسی مشروط ایران و تهدیدهای اروپا

مذاکرات هسته‌ای روی لبه تیغ

بازگشت تحریم یا باز شدن در تعامل؟ چشم‌انداز مبهم مذاکرات هسته‌ای

حسین فاطمی
هفت صبح

در شرایطی که نخستین نشانه‌های بازگشت دیپلماسی میان ایران و اروپا در مذاکرات استانبول پدیدار شد، همچنان فضای کلی گفت‌وگوها تحت‌الشعاع تهدیدهای مکرر غرب، به‌ویژه از سوی فرانسه قرار دارد. این تهدیدها عمدتاً حول فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» و بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل می‌چرخند؛ مکانیزمی که عملاً می‌تواند برجام را به‌طور کامل از اعتبار ساقط کند.

وزیر خارجه فرانسه «ژان نونل بارو» اخیراً به صراحت اعلام کرده که اروپا قصد ندارد مهلت تعیین‌شده برای تهران را تمدید کند و در صورت عدم حصول توافق، تحریم‌ها بار دیگر اعمال خواهند شد. این موضع‌گیری سخت، در تضاد با ذات دیپلماسی‌سازنده قرار دارد و بیش از آن‌که به ایجاد اعتماد کمک کند، طرف ایرانی را به تردید و بی‌اعتمادی سوق می‌دهد.

از سوی دیگر، بازگرداندن گزینه‌های تنبیهی، حتی پیش از روشن شدن مسیر گفت‌وگوها، نوعی بازتولید سیاست فشار حداکثری در قالبی اروپایی است؛ همان سیاستی که طی دوره ترامپ نیز پیگیری شد و نتیجه‌ای جز تقابل بیشتر در پی نداشت. اکنون نیز در حالی که از یک‌سو نشانه‌هایی از آمادگی برای گفت‌وگو دیده می‌شود، از سوی دیگر تهدید به تحریم، توازن مذاکرات را به‌ضرر تعامل واقعی بر هم می‌زند.

❖ دیپلماسی مشروط ایران؛ تجربه‌های گذشته، پیش‌فرض‌های آینده

از موضع ایران نیز نشانه‌هایی از رویکرد مشروط به دیپلماسی به چشم می‌خورد. «سیدعلی موسوی» سفیر ایران در انگلیس، به روشنی تأکید کرده تهران تنها زمانی حاضر به مذاکره خواهد بود که اطمینان یابد، گفت‌وگو ابزاری برای تحمیل اراده یا توجیه حملات نظامی نیست. این موضع، بازتابی از تجربه‌ای تلخ است؛ یعنی زمانی که همزمان با تلاش‌های دیپلماتیک، ایران هدف حملات اسرائیل و ایالات متحده قرار گرفت.

در همین راستا سخنان عباس عراقچی نیز حاکی از آن است که هنوز چارچوب روشنی برای دور بعدی مذاکرات تعریف نشده و اصول راهبردی ایران ازجمله حفظ دستاوردهای ملی و دفاع از استقلال در تصمیم‌گیری هسته‌ای، همچنان خطوط قرمز اصلی به شمار می‌آید.



همزمان گزارش‌ها از مذاکرات استانبول نشان می‌دهد که اروپا به تهران پیشنهاد کرده در صورت همکاری کامل با آژانس و شفاف‌سازی درباره ذخایر اورانیوم با درصد بالا، احتمال تعویق در اعمال مکانیزم ماشه وجود دارد. این پیشنهاد، هرچند حاوی نشانه‌ای از نرمش تاکتیکی است اما همچنان در چارچوب یک بازی شرطی طراحی شده که در آن، بار تعهدات بر دوش ایران است و تضمینی برای رفع واقعی تحریم‌ها از سوی غرب ارائه نمی‌شود.

❖ بازیگران فرامنطقه‌ای و وزن روسیه در معادله

در این میان، موضع‌گیری اخیر روسیه، نوعی پیام سیاسی به طرفین مذاکره است. مسکو به وضوح اعلام کرده که تهدید به حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، اقدامی غیرقابل توجیه و مخاطره‌آمیز است. سخنگوی وزارت خارجه روسیه «ماریا زاخارووا» حتی پا را فراتر گذاشته و گفته توافق درباره برنامه هسته‌ای ایران کاملاً ممکن است، به شرطی که منطق امنیت جمعی و مصالح منطقه‌ای بر تصمیمات غالب شود.

نقش روسیه، در کنار چین، در این مقطع تاریخی اهمیت دوچندان یافته است. در فقدان اعتماد میان تهران و غرب، محور تهران-مسکو-پکن به یک بازیگر جانبی موثر تبدیل شده که می‌تواند مسیر مذاکرات را از بن‌بست خارج کند یا لاقل، هزینه‌های سیاسی تحریم‌های جدید را برای اروپا و آمریکا افزایش دهد.

از سوی دیگر، تلاش‌های اسرائیل برای تخریب دیپلماسی و کشاندن فضای مذاکرات به تقابل امنیتی، همچنان به عنوان یک متغیر مهم در معادله باقی مانده است. اگر غرب بخواهد بی‌توجه به این فاکتور، صرفاً بر «همکاری بیشتر ایران با آژانس» تأکید کند، بدون آن‌که امنیت تهران را تضمین کند، دستیابی به توافق پایدار بعید به نظر می‌رسد.

❖ چشم‌انداز دیپلماسی، در گرو باز تعریف قواعد بازی

در نهایت، پرسش این است که آیا مذاکرات ایران و اروپا ادامه خواهد یافت؟ پاسخ این پرسش، نه در بیانیه‌های رسمی و نه در تهدیدهای پرواژه نهفته است، بلکه در میزان اعتمادسازی طرفین برای ورود به یک گفت‌وگوی واقعی است. اگر اروپا نتواند فاصله خود را با سیاست فشار حداکثری آمریکا حفظ کند و همچنان از ابزارهای تنبیهی استفاده کند، احتمال بازگشت دیپلماسی به نقطه صفر وجود دارد.

ایران نیز به روشنی اعلام کرده که برای دیپلماسی ارزش قائل است اما نه هر دیپلماسی‌ای؛ بلکه دیپلماسی مبتنی بر احترام، تضمین و رفع واقعی نگرانی‌ها. به نظر می‌رسد راه بازگشت به میز مذاکرات، نه از مسیر اولتیماتوم، بلکه از مسیر اعتماد متقابل و پرهیز از اقدامات یک‌جانبه می‌گذرد. اگر این مسیر انتخاب شود، هنوز برای احیای توافقی و جلوگیری از یک بحران بین‌المللی، فرصت باقی است.

سیاست

❖

«شنیدن صدای مردم» لازم است اما کافی نیست. آنچه ضرورت دارد، سازوکارهایی نهادی برای «استمرار شنیدن و اصلاح همزمان» است. گویی مردم باید در موقعیت «تشکر از ترک اشتباه» باقی بمانند، نه در جایگاه صاحب حق برای مطالبه و اصلاح



تضعیف اراده سیاسی در آینده تبدیل خواهد شد. تکرار این موضوع اغراق‌آمیز نیست که رفتار دولت چهاردهم در گام اول توانست جلوی ضرر را بگیرد و همین منفعت جمعی، شجاعت و جسارت اولیه در استرداد لایحه را برجسته می‌کند. باید از شعار مخالفان عبور کرد، چون در این زمینه درک عمومی از بازی‌های سیاسی مهم‌ترند. بنابراین

موضوع اصلی عقب‌نشینی دولت یا شجاعتی که نشان داد نیست، بلکه مسئله در ادامه سیاست معنا می‌یابد. پرسش افکار عمومی این است که دولت می‌تواند مصلحت‌سنجی روزمره و عادت بازتولید محدودیت را تغییر دهد؟

ما با جامعه‌ای مواجهیم که حافظه‌اش زخمی است؛ زخمی از برخی قوانینی که بدون مفاهمه و اقتناع آمدند، از بخشنامه‌هایی که محدودیت ایجاد کردند، چالش‌آفرین شدند و پاسخ‌شان فقط تکرار «توجیه» یا «پاسکاری سیاسی» بود. در چنین فضایی، «شنیدن صدای مردم» لازم است اما کافی نیست. آنچه ضرورت دارد، سازوکارهایی نهادی برای «استمرار شنیدن و اصلاح همزمان» است. فراتر از تفسیرهای اخلاقی و فضیلت‌محور این عقب‌نشینی، باید پیامدهای راهبردی و سیاسی آن را نیز جدی گرفت. این اتفاق، دست‌کم از دو منظر، می‌تواند حاصل پیام‌هایی هشداردهنده باشد. نخست آنکه برخی جریان‌ها در حاشیه یا حامی دولت می‌کوشند از این ماجرا بهره‌برداری و چنین وانمود کنند که اگر دولت پزشکیان نبود، این لایحه تصویب و اجرایی می‌شد؛ بنابراین جامعه باید قدردان باشد که «او مانع شد». اصل گزاره غیرقابل انکار است، چراکه چنین اتفاقی در دولت‌های گذشته کم‌نظیر است اما این منطق که حقیقت را قربانی چهره‌سازی می‌کند، در عمل خطر تثبیت نارضایتی مردم را صرفاً به‌مثابه مخالفت با محدودیت، نه مطالبه‌ای برحق، در خود دارد؛ گویی مردم باید در موقعیت «تشکر از ترک اشتباه» باقی بمانند، نه در جایگاه صاحب حق برای مطالبه و اصلاح

تکرار اشتباه و تحلیل انرژی مقاومت دولت نگرانی دوم، به ساختار تصمیم‌گیری بازمی‌گردد. اگر تصویب اولیه این لایحه نتیجه یک لغزش ناخواسته در بدنه دولت بوده، همان لغزش می‌تواند زمینه‌ساز انتقال ابتکار عمل به جریان‌های محافظه‌کار بیرون از دولت شود. تجربه نشان داده که ایستادگی در برابر نخستین موج اعتراض مخالفان، انرژی دولت را برای مقاومت در برابر موج‌های بعدی تحلیل می‌برد. در این صورت، نه‌تنها فضیلت بازگشت به خواسته مردم فرایند قدرت اجرایی را تقویت نمی‌کند، بلکه به بستری برای

گزارش

چین با بی‌اعتنایی به هشدارهای آمریکا، مر حله تازه‌ای از مقابله با دلار را آغاز کرد

نفت ایران و جنگ سرد میان آمریکا و چین

گروه سیاسی | هشدارهای اخیر آمریکا درباره خرید نفت تحریمی از روسیه و واکنش قاطع چین به عنوان مهم‌ترین مشتری روس‌ها، تنها یک منازعه اقتصادی و تجاری نیست، بلکه نشانه‌ای آشکار از صفت‌بندی جدید قدرت‌ها در عرصه بین‌المللی است که معادلات جدیدی را به همراه دارد. در این بین کاهش ضرب‌الاجل ترامپ برای روسیه از ۵۰روز به ۱۰روز با هدف پایان دادن به جنگ اوکراین به عنوان زیربنای تهدیدات آمریکا موبد معادلات جدیدی در روزهای آتی خواهد بود.

❖ نفت و جبهه‌بندی جهانی جدید

در بحبوحه جنگ اوکراین و تقابل غرب با مسکو، واشنگتن بار دیگر از ابزار تحریم‌های نفتی برای اعمال فشار بر چین و متحدانش استفاده می‌کند؛ ابزاری که بیش از آنکه صرفاً جنبه اقتصادی داشته باشد، بازتابی از شکاف‌های ژئوپلیتیکی و منازعات ژرف‌تری در سطح بین‌الملل است. هشدارهای اخیر ایالات متحده به چین درباره تداوم خرید نفت از روسیه و واکنش محکم پکن به این هشدارها، بخشی از صفحه بزرگ‌تری در بازی قدرت‌های جهانی است که در آن مفاهیم سنتی و ابستگی، امنیت و نظم جهانی، بازتعریف می‌شوند. در این میان، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت روسیه، موقعیتی تعیین‌کننده دارد. خرید روزانه حدود دو میلیون بشکه نفت از مسکو، نه‌تنها نشان‌دهنده پیوند اقتصادی دو کشور، بلکه بیانگر یک اتحاد راهبردی عمیق‌تر است. واشنگتن با علم به این واقعیت، تلاش دارد از طریق تهدید به تحریم‌های ثانویه و افزایش تعرفه‌ها، پکن را از این مسیر بازدارد اما به نظر می‌رسد که چین، بیش از آن‌که عقب‌نشینی کند، به تثبیت نقش مستقل خود در نظم چندقطبی آینده می‌اندیشد.

❖ پکن و منطق استقلال در سیاست انرژی

پاسخ قاطع چین به هشدارهای واشنگتن، از منظر دیپلماتیک حاوی یک پیام روشن است که سیاست انرژی در پکن تابعی از فشارهای خارجی نیست. چین بارها تأکید کرده که به‌دلیل وابستگی بالا به منابع انرژی، نمی‌تواند و نباید تصمیمات خود را براساس تهدیدهای یک‌جانبه خارجی تنظیم کند. از نگاه رهبران چین، امنیت انرژی بخشی از امنیت ملی است و هیچ کشوری نمی‌تواند در این حوزه برای پکن تعیین تکلیف کند. در پایان نشست اقتصادی آمریکا و چین در استکهلم، «اسکات بسنت» وزیر خزانه‌داری آمریکا، صراحتاً اعلام کرد که هشدارهایی درباره خرید نفت از روسیه و ایران به طرف چینی داده شده است. او همچنین به لایحه‌ای در کنگره آمریکا اشاره کرد که در صورت تصویب، رئیس‌جمهور این

استرداد لایحه، مقدمه اصلاح در ساختار تصمیم‌گیری

وقتی سیاست جای لجاجت می‌نشیند

امید محسنی
هفت صبح

استرداد لایحه «مقابل به محتوای خلاف واقع»، آن هم تنها چند روز پس از تصویب دو فوریت، نه فقط یک تصمیم سیاسی بلکه لحظه‌ای نادر بود؛ لحظه‌ای که سیاست به جای لجاجت، به پذیرش خطاتن داد. با این حال، آنچه در روزهای اخیر شاهدش بودیم، نه فقط داوری درباره محتوای لایحه بلکه رقابت تفسیرها بود، تفسیرهایی که گاه با ذوق‌زدگی، این بازگشت را نشانه عقلانیت دولت دانستند یا با بدبینی، آن را عقب‌نشینی در برابر فشار سیاسی تلقی کردند.

اما اگر بخواهیم فراتر از این روایت‌های جناحی به ماجرا نگاه کنیم، مسئله اصلی نه در عقب‌نشینی یا پیشروی، بلکه در بنیان تفکر حکمرانی نهفته است؛ در نسبت میان قدرت و مسئولیت، در ظرفیت حاکم برای شنیدن صدای جمع و در مسئولیت‌پذیری در قبال خطاهایی که نظام تصمیم‌گیری را تهدید می‌کند. «سیاست خوب» سیاستی نیست که از خطا مصون باشد، رویه‌ای است که توان بازشناسی اشتباه و بازگشت از آن را داشته باشد. مسئولیت‌پذیری در چنین چارچوبی، نه ایستا بودن در تصمیم، بلکه گشودگی نسبت به تجربه و اصلاح است. از این منظر، آنچه دولت پزشکیان انجام داد، بازگرداندن لایحه‌ای می‌توانست گسستی تازه میان دولت و مردم بیافزیند، صرفاً یک تاکتیک سیاسی نبود، بلکه در نطفه خود حامل یک فضیلت سیاسی نادر بود: «اعتراف به خطا (در عمل) پیش از آنکه هزینه‌اش غیرقابل جبران شود».

❖ چند سوال آینده‌نگرانه از دولت

اگر این فرض را بپذیریم که سیاست بعد از وقوع، جامد نیست و تا زمانی که خبر و تحلیل داغ است امکان شکل‌دهی به آن وجود دارد، مراقبت از آن بیش از استرداد لایحه اهمیت می‌یابد. مشکل از جایی آغاز

تحلیل

تحلیلی بر یادداشت مشترک محمدجواد ظریف و محسن بهاروند

مناره؛ چراغ راهی برای صلح هسته‌ای در خاورمیانه

یادداشت مشترک محمدجواد ظریف و محسن بهاروند در روزنامه گاردین-با معرفی طرح «مناره» (شبکه خاورمیانه برای تحقیقات و پیشرفت اتمی)، پیشنهادی جسورانه و آینده‌نگر برای بازتعریف گفتمان هسته‌ای در خاورمیانه ارائه می‌دهد. این طرح که ریشه در پیشنهاد تاریخی ایران در سال ۱۹۷۴ برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای دارد، نه‌تنها گامی به سوی خلع سلاح منطقه‌ای است، بلکه راهکاری عملی برای همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای در منطقه‌ای پر تنش ارائه می‌کند. در شرایطی که خاورمیانه با تهدیدات فزاینده و رقابت‌های ژئوپولیتیکی مواجه است، «مناره» می‌تواند به عنوان فائوسسی برای هدایت منطقه به سوی صلح، پایداری و پیشرفت عمل کند. این گزارش، ابعاد این طرح را با نگاهی حمایتی بررسی می‌کند.

❖ ریشه‌های تاریخی و ضرورت کنونی

طرح مناره در بستری تاریخی ریشه دارد که از پیشنهاد اولیه ایران در سال ۱۹۷۴ برای منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای آغاز شد و در سال ۱۹۹۰ با افزودن ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی گسترش یافت. با وجود حمایت گسترده جهانی، این ابتکار به دلیل مخالفت اسرائیل و ایالات متحده متوقف شد. ظریف و بهاروند با اشاره به این سابقه، استدلال می‌کنند که وضعیت کنونی، با تشدید تنش‌ها و اقدام نظامی اخیر اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، ضرورت همکاری منطقه‌ای را بیش از پیش آشکار کرده است. مناره نه‌تنها پاسخی به این بن‌بست تاریخی است، بلکه تلاشی برای تغییر پارادایم از تهدید به فرصت است. این طرح با تأکید بر استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای، می‌تواند منطقه را از چرخه بی‌اعتمادی و تقابل خارج کند.

❖ چالش‌ها و چشم‌انداز آینده

با وجود پتانسیل‌های مناره، چالش‌هایی مانند بی‌اعتمادی تاریخی، مخالفت احتمالی اسرائیل و پیچیدگی‌های ژئوپولیتیکی منطقه نمی‌توانند نادیده گرفته شوند. ظریف و بهاروند به درستی استدلال می‌کنند که انتظار برای خلع سلاح یکجانبه اسرائیل، راه به جایی نبرده است. مناره با دور زدن این بن‌بست، همکاری را به جای تقابل قرار می‌دهد. برگزاری اجلاس منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل می‌تواند گام اولیه برای عملیاتی کردن این طرح باشد. موفقیت مناره نیازمند تعهد جمعی کشورهای منطقه و حمایت قدرت‌های جهانی است. اگر این ابتکار به درستی اجرا شود، نه‌تنها خطر درگیری هسته‌ای را کاهش می‌دهد، بلکه الگویی برای همکاری در جهانی پر آشوب ارائه خواهد کرد. مناره با روشن کردن مسیر صلح و پیشرفت، می‌تواند آینده‌ای امن‌تر و پایدارتر برای خاورمیانه رقم بزند.

طرح مناره در دوران پیش از انقلاب پیشنهاد شد و همان زمان هم با مخالفت آمریکا و اسرائیل متوقف شد. مناره به عنوان یک نهاد منطقه‌ای طراحی شده که همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز را میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تسهیل می‌کند. این شبکه با عضویت باز برای کشورهای که تولید یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را رد کنند، بر شفافیت و نظارت مدبریت پسماند، ضمن تضمین عدم



پیش‌بینی ایلان ماسک، مارک زاکربرج و بیل گیتس از آینده فناوریانه

فردای بشر از نگاه سه نابغه



رامتین لطفی
دبیر بین‌الملل

آینده دیگر نه از پنجره رویاها، بلکه از پس شیشه کارگاه‌های پیشرفته و آزمایشگاه‌های پرهیاهو نمایان می‌شود؛ جایی که آینده نه به‌مثابه خیالی دور، بلکه واقعیتی در حال شکل‌گیری است. در این میان، سه نابغه بلندآوازه جهان فناوری، ایلان ماسک، بیل گیتس و مارک زاکربرج، هر یک تصویری منحصر به‌فرد از آنچه در راه است، ترسیم کرده‌اند. آینده‌ای که شاید برخلاف تصور بسیاری، نه در دل صفحه‌نمایش‌ها، بلکه در پوست، استخوان، صدا، نگاه و ربات‌ها جا خوش کرده باشد.

ایلان ماسک: رقص آرام ربات‌ها در کنار ما

تصور کنید وارد خانه‌ای می‌شوید و به‌جای صبحانه، رباتی با چهره‌ای انسانی، با لبخند و سببی‌نوشیدنی به پیشوازان می‌آید و ضمن پذیرایی به شما خوشامد می‌گوید. این خیال دور، از نظر ایلان ماسک، تا کمتر از ۲۰ سال دیگر به واقعیت بدل می‌شود. مدیرعامل پرهیاهوی تسلا و اسپیس‌ایکس می‌گوید تا سال ۲۰۴۰ ربات‌های انسان‌نما، جمعیتی بیش از انسان‌های روی زمین خواهند داشت؛ یعنی بیش از ۱۰ میلیارد واحد. پروژه «اِپتیموس» تسلا قرار است پیش‌از این انقلاب باشد؛ ربات‌هایی به قیمت ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار که توانایی انجام «هر کاری» را دارند. ماسک معتقد است در سال ۲۰۲۶، تولید انبوه اِپتیموس آغاز خواهد شد و به‌تدریج به «بزرگ‌ترین محصول ساخت بشر» تبدیل خواهد شد. او حتی تا پار فراتر می‌گذارد: این ربات‌ها نه‌تنها همکاران ما در خانه و کارخانه خواهند بود، بلکه مسافران خاموش نخستین سفرهای بی‌زنگشت به مریخ نیز خواهند شد؛ بنیانگذاران شهری بر سطح سیاره سرخ، پیش از آنکه پای انسان به آنجا برسد. جذاب‌تر آنکه ماسک می‌گوید شاید روزی، پخش زنده ۲۴ساعته

ساخت‌وساز شهری در مریخ با دست‌های فلزی اِپتیموس‌ها، بدل به یکی از پر مخاطب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی جهان شود!

مارک زاکربرج: دنیای آینده را از پشت عینک ببین

برای مارک زاکربرج، آینده نه در آسمان‌ها که در چشمان ماست؛ یا به‌عبارتی دقیق‌تر، روی بینی ما. مدیرعامل متا می‌گوید: «اگر عینک هوش مصنوعی نداشته باشیم، در کنار آن جهان عقب‌تر از دیگران خواهد بود.» زاکربرج معتقد است عینک‌های هوشمند، ابزار اصلی تعامل انسان و هوش مصنوعی در دهه آینده خواهند بود. این گجت‌ها نه‌تنها می‌شنوند و می‌بینند، بلکه به کمک الگوریتم‌های پیچیده، می‌توانند با انسان گفت‌وگو کنند، پیشنهاد بدهند، تحلیل کنند و حتی جای حافظه انسان را بگیرند. محصولات مشترک متا با برندهایی مانند «ری‌بن» و «و‌کلی»، جایگزین کامل تلفن همراه باشند. تماشای فیلم‌برداری، پخش موسیقی و تعامل با دستیار هوشمند را دارند. این عینک‌ها می‌توانند از آنچه می‌بینید، به هوش مصنوعی بگویند و



پاسخ بگیرند؛ گویی چشمی دیجیتال در کنار چشمان طبیعی‌تان دارید که دنیا را بهتر، دقیق‌تر و سریع‌تر می‌بیند. زاکربرج با اطمینان می‌گوید این فناوری نقطه تلاقی دنیای فیزیکی و دیجیتال خواهد بود. او همچنین تأکید دارد که سرمایه‌گذاری سنگین متا روی «آزمایشگاه واقعیت‌ها» نه برای سرگرمی، بلکه برای مهیا کردن جهانی‌ست که انسان و هوش مصنوعی در آن باهم و نه جدا از هم، زندگی خواهند کرد.

آینده نزدیک است؛ با چهره‌ای تازه

از ربات‌هایی که روی مریخ شهر می‌سازند تا خالکوبی‌هایی که زندگی را دیجیتال می‌کنند و عینک‌هایی که با ما حرف می‌زنند؛ آینده، همانقدر شگفت‌انگیز است که پیچیده، همان‌قدر هیجان‌انگیز که نگران‌کننده. دیدگاه‌های ایلان ماسک، مارک زاکربرج و بیل گیتس بیش از آن که خیال‌پردازانه باشند، بازتابی‌ست از آنچه همین حالا در آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های فناوریانه جهان در جریان است. فردا، زودتر از آنچه می‌پنداریم، از راه می‌رسد و شاید زودتر از آنکه فکر کنیم، به بخشی از بدن، دید و زندگی‌مان بدل شود.

بیل گیتس: گوشی‌های میرند، خالکوبی‌ها زنده می‌شوند

در دنیایی که همه به دنبال گوشی هوشمند بعدی هستند، بیل گیتس مسیر متفاوتی را پیش می‌گیرد. او می‌گوید آینده متعلق به چیزی‌ست که نه در جیب‌مان، بلکه در پوست‌مان جا خوش می‌کند: خالکوبی هوشمند. این خالکوبی‌ها با فناوری نانو و جوهرهای الکترونیکی طراحی شده‌اند و می‌توانند جایگزین کامل تلفن همراه باشند. تماشای فیلم، بررسی غلام حیاتی و حتی تشخیص زودهنگام بیماری‌ها، همه از طریق پوست انجام می‌شود.



کریستین بیل، بازیگر نقش بتن در سه‌گانه «شوالیه تاریکی»، با پروژه‌ای بشردوستانه در حال تحقق رویای بروس وین در دنیای واقعی است. او از طریق سازمان «توگدر کالیفرنیا» که خود یکی از بنیانگذارانش است، در حال ساخت روستایی ۲۲ میلیون دلاری در پالم‌دیل کالیفرنیا برای کودکان بی‌سرپرست است. این پروژه که از ۱۷ سال پیش و پس از تولد دخترش در ذهن بیل شکل گرفت، شامل ۱۲ خانه، دو آپارتمان برای جوانان در حال انتقال به زندگی مستقل و یک مرکز اجتماعی ۷۰۰۰ فوت مربعی است. هدف اصلی، جلوگیری از جدایی خواهر و برادرهای بی‌سرپرست در سیستم نگهداری است. بیل با همکاری همسرش سببی بلاژیچ و حامیانی چون لئوناردو دی‌کاپریو، این پروژه را پیش می‌برد. روستا که قرار است در سال ۲۰۲۶ پذیرای کودکان باشد، به‌عنوان الگویی نوآورانه برای حمایت از کودکان آسیب‌پذیر شناخته می‌شود.

اندر احوالات بانوی شعر آمریکا

نگاهی به زندگی آدا لیمون، بانوی شاعر مکزیک‌تبار که از سال ۲۰۲۲ لقب ملک‌الشعرای رسمی ایالات متحده را بر دوش دارد



در کشور ایالات متحده، عنوان ملک‌الشعرا یا «مشاور شعر در کتابخانه کنگره»، جایگاهی رسمی و فرهنگی است که نخستین بار در سال ۱۹۳۷ پایه‌گذاری شد و از سال ۱۹۸۵ با نام امروزی شناخته می‌شود. این جایگاه که با پیشنهاد و رأی رئیس کتابخانه کنگره و مشورت با شاعران برجسته تعیین می‌شود، نماینده رسمی شعر در کشور است و هدف آن، گسترش آگاهی عمومی و علاقه مردم به خواندن و سرودن شعر. ملک‌الشعرا با حقوقی سالانه و آزادی عمل بسیار، مجاز است طرحی ابتکاری و فردی در عرصه شعر و فرهنگ عمومی اجرا کند. او تنها موظف به ایراد یک سخنرانی و خوانش شعر در کتابخانه کنگره است و می‌تواند برای ادامه امور، مسیر خلاقانه خود را برگزیند.

شاعر رسمی کشور چه می‌کند؟

در طول دهه‌ها، هر ملک‌الشعرا جلوه‌ای متفاوت از شعر و وظیفه فرهنگی خود ارائه داده است. یکی کارگاه‌های شعر برای زنان راه انداخت، دیگری پای شعر را به فروشگاه‌ها و فروگاه‌ها باز کرد، یکی برای نخستین میهمانی رسمی در کاخ سفید شعر خواند و دیگری برای هر روز سال تحصیلی، شعر تاز به دبیرستان‌ها فرستاد. آدا لیمون، ملک‌الشعرای کنونی، نیز با طرحی زیبا به نام «تو اینجا» کوشیده شعر را با طبیعت آشتی دهد. او با همکاری سازمان پارک‌های طبیعی، میزهایی در دل طبیعت نصب کرده که بر آنها شعرهایی درباره زمین، درخت، پرند و زیستن نوشته شده است. همچنین مردم را تشویق کرده تا با نگاه به پیرامون خود، شعر بگویند و با هشتگ «تو اینجا» در فضای مجازی به اشتراک بگذارند.

از نمایشنامه تا سفینه فضایی

آدا لیمون در سونوهای ایالت کالیفرنیا زاده شد. در نوجوانی دلبسته بازیگری و هنر نمایش بود و آن را در دانشگاه واشینگتن پی گرفت. اما در دل همین روزها، جرقه شعر در ذهن و جانش افتاد و بعدها، با پشتکار و حضور در کلاس‌های نوشتن خلاق، به دنیای شاعران پا گذاشت. او در دانشگاه نیویورک، در کنار استادانی بزرگ، نوشتن را موخت و در همان سال‌ها پرند جایزه‌های ادبی شد. لیمون مدتی در نیویورک زندگی کرد و در نشریاتی چون زندگی ما را اساورت و سفر و فراغت مشغول به کار بود اما پس از مرگ ناگهانی نامادری‌اش، تصمیم

گرفت همه چیز را رها و زندگی‌اش را وقف شعر کند. او امروز میان دو شهر لکسینگتن در کنتاکی و سونوما در کالیفرنیا، رفت‌وآمد دارد و علاوه بر نوشتن، در دانشگاه‌ها نیز تدریس می‌کند.

شعری که به فضا پر تاب شد

در میان همه کارهای برجسته آدا لیمون، شاید مهم‌ترین‌شان، سرودن شعری برای فضا باشد. او در سال ۲۰۲۳، شعری با نام «در ستایش رمز آلودگی» سرود؛ شعری برای مأموریت فضایی ناسا به سوی یکی از قمرهای مشتری. این شعر با دستخط خود لیمون بر صفحه‌ای فلزی حک و به بدنه سفینه وصل شد. این فضاپیما در پاییز سال ۲۰۲۴ پر تاب شد و قرار است در سال ۲۰۳۰ به نزدیکی قمر مشتری برسد. بدین ترتیب، برای نخستین بار، شعری از زبان یک زن، در دل کپکشان ثبت شده است.

شاعری برای زمین و آسمان

آدا لیمون شاعری است که توانسته شعر را به

برده آخر

در روزگاری که واژه‌ها گاه فراموش می‌شوند و زبان انسان رنگ می‌یازد، شاعری مانند آدا لیمون یادآور این است که شعر، نه‌تنها زنده است، بلکه می‌تواند پلی میان انسان، زمین و آسمان باشد. او با واژگان ساده و ژرف، جهان را معنا می‌بخشد؛ و اکنون، با عنوان ملک‌الشعرای ایالات متحده، صدای شعر را از میان دشت‌ها، نیمکت‌ها و حتی فضاپیماها به گوش جهانیان می‌رساند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جیمز باند جوان و جسور در راه: استیون نایت از انقلابی در ۰۰۷ خبر داد!

جهان جیمز باند در آستانه تحولی بزرگ قرار دارد. استیون نایت، خالق سریال تحسین‌شده «پیکی بلایندرز»، به‌عنوان نویسنده فیلم «جیمز باند ۲۶» انتخاب شده و وعده داده است که این اثر «بهتر، قوی‌تر و جسورانه‌تر» از هر آنچه تاکنون دیده‌ام، خواهد بود. نایت در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی ۵ اعلام کرد این پروژه، رویای دیرینش بوده و حالا با همکاری دنی ویلنوو، کارگردان برجسته‌ای که آثاری چون «تل‌ماسه» و «بلید رانر ۲۰۴۹» را در کارنامه دارد، قصد دارد باند را به شکلی تازه و هیجان‌انگیز به پرده نقره‌ای بازگرداند. او همچنین از همکاری با ایملی پاسکال و دیوید هیمن، تهیه‌کنندگان سرشناس این پروژه، ابراز خوشحالی کرد و افزود: «وقتی ایملی با من تماس گرفت، ابتدا فکر کردم شوخی است! اما حالا که اینجاییم، آماده‌ام تا همه را شگفت‌زده کنم.» در حالی که نایت از افزایش جزئیات داستان خودداری کرد، شایعات حاکی از آن است که این فیلم رویکردی مدرن‌تر به مأمور ۰۰۷ خواهد داشت. با توجه به سابقه نایت در خلق داستان‌های پیچیده و شخصیت‌پردازی‌های عمیق در «پیکی بلایندرز»، انتظار می‌رود این فیلم نه‌تنها اکشن نفسگیر مجموعه را حفظ کند، بلکه لایه‌های احساسی و دراماتیک تازه‌ای به شخصیت باند اضافه کند. دنی ویلنوو نیز که به خلق تصاویر بصری خیره‌کننده شهرت دارد، این فیلم را به یکی از باشکوه‌ترین آثار این مجموعه تبدیل خواهد کرد.



جهانگردی یک نمایشگاه جادویی

نمایشگاه هری پاتر پیش از رسیدن به ابوظبی، سفری جهانی را پشت سر گذاشته است. از آغاز در سال ۲۰۱۱، این رویداد در ۳۰ شهر از جمله نیویورک، سیدنی و بارسلونا برگزار شده و هر بار با استقبال بی‌سابقه روبه‌رو شده است. در توکیو، بیش از ۵۰۰ هزار نفر در سه ماه از آن بازدید کردند و در پاريس، صف‌های طولانی مقابل موزه پورت دو روسای خبرساز شد. به گفته برگزارکنندگان در وب‌سایت رسمی نمایشگاه، نسخه خاورمیانه با افزودن عناصر بومی، مانند طراحی غرفه‌هایی با الهام از معماری عربی در بخش بازار دیاگون، تجربه‌ای منحصر به‌فرد ارائه می‌دهد. این نمایشگاه همچنین به دلیل تعهد به پایداری، با استفاده از مواد بازیافتی در دکورها و کاهش مصرف انرژی، در شهرهایی چون وین مورد تحسین قرار گرفته است.

جزئیات و نکات بازدید

این تجربه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه‌ای، پر از فرصت‌های عکاسی

سفری به قلب هاگوارتز

از لحظه ورود، با دریافت دستبند تعاملی و پروفایل جادویی شخصی، خود را بخشی از این دنیای فانتزی می‌یابید. می‌توانید با حرکت چوب‌دستی، طلسمی مانند «لومیوس» بسازید، در کلاس معجون‌سازی معجونی جادویی خلق کنید یا در شبیه‌ساز کوییدیچ، مهارت‌های پروازی‌تان را محک بزنید. بازسازی‌های خیره‌کننده‌ای از تالار بزرگ با سقف پرستاره، کلیه دنج هاگ‌رید با کدوهای غول‌پیکر و گلخانه گیاه‌شناسی پر از مندریک‌های فریادزن، شما را به فیلم‌های هری پاتر می‌برند. اشیای نمادین مانند شمشیر گریفیندور، شئل نامرئی و نقشه غار تگر، با جزئیاتی بی‌نظیر به نمایش درآمده‌اند. حضور اژدهای شلخادار مجارستانی، بوگارت‌های تغییر شکل دهنده و اسنچ‌های طلایی پر جنب‌وجوش، شگفتی‌هایی هستند که در مسیرتان پراکنده‌اند. برای علاقه‌مندان به سینما، بخش پشت‌صحنه با روایت صوتی در باره طراحی موجودات جادویی، مانند هیپوگریف باک‌بیک و فرایند ساخت لباس‌های آیینی، گنجینه‌ای استثنایی است.

کیوسک



نیویورک تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به نقشی از جهان که براساس میزان شدت ترعه‌های ترامپ رنگ‌آمیزی شده، اختصاص داد. جایی در جهان نیست که از جنگ ترعه‌ای او در امان مانده باشد.

مورنینگ استار انگلیس، عکس و تیترو اصلی خود را به شرایط ناامن این کشور

برای مهاجران اختصاص داد و گفت مهاجرانی که از جنگ و کشتار جمعی سالم فرار کردند، اکنون در این کشور در خطرند.



کتاب

«دیگر اسمت را عوض نکن»



مجدد قیصری / نشر چشمه

در حوزه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، تاکنون آثار موفق و تاثیر گذار بی‌شماری توسط نویسندگان ایرانی نوشته و منتشر شده‌اند اما یکی از بهترین نمونه‌های ادبیات جنگ میان آثار نویسندگان داخلی، رمان کم حجم است. مجید قیصری در این داستان ۹۴ صفحه‌ای، به بازخوانی تراژدی جنگ از طریق نامه‌نگاری‌های دو نیروی دشمن برای یکدیگر می‌پردازد. درواقع او بدون قهرمان‌سازی و تقدیس وقایع و اشخاص، به روایت انسان‌هایی اسیر شرایط جنگی می‌پردازد. جنگی که زمینه‌ساز ویرانی روان انسان‌هاست و به همین دلیل، نویسنده بیشتر بر لزوم هم‌دلی، صلح و فهم متقابل تاکید دارد.

روایت:

کلاسیک و بومی

نوشتر کتاب، بر پایه‌فرم کلاسیک نامه‌نگاری با محتوا و لحنی بومی و مدرن است که گرچه بهترین نمونه‌اش را در کتاب مشهور «بابالنگ‌دراز» (چین وبستر) خوانده‌ایم، ولی می‌توان اثر قیصری را تلاشی موفق برای نوآوری در قصه‌گویی ایران دانست.

داستان:

روایتی از انسانیت و تفاهم فرهنگ دو جبهه جنگ

رمان «دیگر اسمت را عوض نکن» ماجرای مکاتبه یک سرهنگ عراقی به نام «فواد صابر» با یک سرباز ایرانی‌ست که نامه‌نگاری‌شان موجب شکل‌گیری رابطه‌ای عاطفی بین آن‌ها می‌شود. در دوران جنگ تحمیلی، سرباز وظیفه‌ای با پیدا کردن نامه‌هایی سسری در جایی نزدیک به مرز ایران و عراق، وارد یک بازی پرخطر می‌شود. در این نامه‌ها که به زبان نیمه عربی، نیمه فارسی توسط سرهنگ عراقی ناشناسی نوشته می‌شوند، با لحنی پراهمام و مرموز از سرباز ایرانی درخواست کمک شده و او نیز به عنوان مخاطب نامه‌ها، تصمیم به نوشتن پاسخ‌هایی برای سرهنگ عراقی می‌گیرد. ولی گفت‌وگوی این دو نظامی دلی، با تاکید بر مفاهیمی مانند انسانیت، صلح و تفاهم فرهنگ، باعث ایجاد هم‌دلی میان آن‌ها می‌شود.

نویسنده:

قیصری روایتگر آرامش پس از توفان

نویسنده در داستان خود، فرصتی برای هر دو طرف درگیر جنگ ایجاد کرده تا نگاهی به گذشته و کابوس‌ها و رویاهای خود بیندازند و در آرامش پس از توفان به واکاوی بخشی از وجودشان بپردازند که در شرایط خاص جنگی یا شکوفا شده یا به کل از بین رفته و اکنون مانند شهری جنگ‌زده، منتظر بازسازی مجدد است.

«جنگ که تمام شد بیدارم کن»

عباس جهانگیریان / نشر افق

عباس جهانگیریان در رمان «جنگ که تمام شد بیدارم کن»، از تاثیر جنگ بر زندگی آدم‌ها و به خصوص نوجوانان می‌گوید. نگاه ضدجنگ جهانگیریان به این پدیده مغرب جهانی، بسیار قابل توجه و تعمق است.

داستان:

عاشقانه‌ای از آبادان تا قم

راوی داستان، نوجوان پانزده ساله‌ای به نام حامی است که خانواده‌اش را در جنگ از دست داده و با مادر بزرگش بی‌بی‌مخمل از آبادان به قم آمده و زندگی ساده اما سختی دارند. آقای آفرآ (معلم هنر مدرسه) به حامی نقاشی و خوش‌نویسی می‌آموزد و معتقد است او استعداد ویژه‌ای در اموختن هنر دارد. حامی عاشق حوری (دختر همسایه دیواربه‌دیوار) می‌شود که در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده و توسط پدر و برادران متعصب و ناموس‌پرست خود از ادامه تحصیل باز مانده؛ حوری و حامی از درپچه کوچک یرزمین خانه‌های خود با هم گفت‌وگو می‌کنند و هر روز بیشتر دل‌باخته یکدیگر می‌شوند.

روایت:

غم آگاهی‌بخش از جهان عاشقی نوجوانانه

خط اصلی داستان بر محور عشق دو نوجوان و غربت حامی در قم پیش می‌رود اما جهانگیریان با حوصله فراوان تمام تلاش‌های حامی را برای دوام آوردن در زندگی دشوارش به تصویر کشیده. موقعیت‌هایی که در «جنگ که تمام شد بیدارم کن» می‌خوانیم، ترکیبی از غم، شادی و دلپره است اما نوعی آگاهی‌بخشی تاثیر گذار بر ذهن مخاطب رانیز با خود همراه دارد. مانند تمام لحظه‌هایی که حامی برابر باورهای دینی غلط و اغراق آمیز دیگران، باخودش پرسش‌هایی مطرح می‌کند که عقاید پوچ آنها را به چالش می‌کشد یا نظرات دیگران توجه‌اش را جلب می‌کند.

نویسنده:

زبانی برای نوجوانان

عباس جهانگیریی یکی از نویسندگان پرکار حوزه کودک و نوجوان است که بسیاری از آثار او به فیلم و انیمیشن تبدیل شده است. این نویسنده با انتشار مجموعه شعر «نون و زیتون» در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه ادبیات کودک و نوجوان شد. او نخستین داستان‌اش را «شازده کدو» در سال ۱۳۷۲ منتشر انشازات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرد که در مدت کوتاهی به چاپ چهارم رسید. زبان کتاب‌های او عموما ساده، صمیمی و روان است. او به خاطر شناخت دقیق از فضای نوجوانان، زبان آنان را می‌شناسد و می‌تواند مفاهیم عمیقی را به آنان منتقل کند.

آگهی فقدان سند

اقای نادر شیرازی منفر بموجوب وکالتنامه شماره ۴۵۱۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۷/۲۸ دفترخانه ۲۷ شهیریار که بموجوب نامه شماره ۱۴۰۴۸۵۴۵۴۵۱۷۰۰۰۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۵/۸ به تائید دفترخانه رسیده است به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۶۸ شهیریار با شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۸۶۶۲۰۰۰۰۷ رمز تصدیق ۷۷۷۵۷۴ مدعی است سند مالکیت باب یک واحد تجاری به پلاک ثبتی ۲۱۱۸۷ فرعی از ۴۸ اصلی مغرور و مجزا شده از ۲۷۴۴ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۳ در طبقه مرکزی همکف واقع در حوزه ثبت ملک شهیریار استان تهران به مساحت ۲۸/۹۴ متر مربع که مقدار ۱/۲۱ یک متر و بیست و یک دسیمتر مربع آن چک بالابر داخلی است به انضمام بالکن تجاری قطعه ۳ به مساحت ۴۴/۲ متر مربع که به شماره چاپی ۱۷۱۷۲۱ سری الف سال ۱۴۰۲ ذیل دفتر الکترونیک شماره ۶۶۸۹۰۰۰۵۷۰۰۳۰۱۰۲۲۰۱۴ به نام علی مرادی ثبت و سند صادر گردیده است و برابر ماده ۱۰۶ شماره ۶۵۴۸ مورخه ۱۴۰۳/۳/۲۹ اداره ثبت اسناد و املاک شهیریار در مالکیت مالک متن قرار گرفته است به علت سهل انگاری مفقود گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و ترسیندن وخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

۱۲۵۵۴ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهیریار – مهدی ناصری ۲۸۵

آگهی فقدان سند

اقای حبیب اله کاشی فرزند غلامحسین شماره شناسنامه ۲۵۳۶ تاریخ تولد ۱۳۳۴/۷/۲۲ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۲۲۴۴۰۰۲۷۰ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۱۳۰۹۶ فرعی از ۴۹ اصلی مغرور و مجزا شده از ۱۰۲۰۷ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱ در طبقه همکف واقع در علیشاه عوض حوزه ثبت ملک شهیریار استان تهران به مساحت ۱۴۶ متر مربع به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۶ شهیریار با شناسه یکتا ۱۵۹۰۰۰۵۳۲۳۵۳۰۰۰۴۲۲۵۳۲۳۵۳۰۰۰۵ مدعی است سند مالکیت بشماره چاپی ۲۰۶۸۸۹ سری ه سال ۹۱ که در صفحه ۱۷۳ دفتر املاک جلد ۲۱۲۰ ذیل شماره ۲۹۷۵۹۲ بنام ایشان ثبت گردیده بوده است به علت سرقت مفقود گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و ترسیندن وخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

۱۲۵۵۵ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهیریار – مهدی ناصری ۲۸۶



نقوش ظریف حنا که از سوزن دوزی و گلابتون دوزی زنان ایرانی الهام گرفته‌اند روزگاری دست و پای عروسان را در آیین حنابندان می‌آراستند

آرایش کهن

در تمدنی باستانی

این هشدار، نه فقط رنگ خطری برای سلامت جامعه است، بلکه تلنگری به غفلتی بزرگ‌تر است در جامعه‌ای که از سنت‌های دیرینه ایرانی‌اش فاصله گرفته و گرایش به مدهای پرخطر غربی را جایگزین آن کرده است. مگر در ایران با این تمدن کهن چندین هزار ساله مکتوب راه و روشی برای آرایش و نقشی و نگار مردمان وجود نداشته است که حالا برای فقدان آن سراغ روش‌های تهاجمی همچون تتو و پیرسینگ می‌رویم؟ چرا جوان ایرانی از آیین‌های زیبا فاصله گرفته و به روش‌های پرخطر روی آورده؟ مقصر این غفلت کیست؟

از مدهای پرخطر

تأفراموشی سنت‌ها

هشدار قباد مرادی فقط به خطرات پزشکی تتو و پیرسینگ محدود نمی‌شود؛ این سخنان بازتابی از واقعیتی تلخ‌تر است. جامعه ایرانی از هویت فرهنگی خود فاصله گرفته است. تتو و پیرسینگ که ریشه در فرهنگ‌های بیگانه دارند، در سال‌های اخیر با سرعت میان جوانان ایرانی رواج یافته‌اند. این مدهای وارداتی که در ایران اغلب در محیط‌های غیربهداشتی انجام می‌شوند نه فقط سلامت جسمی را تهدید می‌کنند، بلکه نشانه‌ای از تهاجم فرهنگی‌اند که سنت‌های بومی را به حاشیه رانده‌اند. در این میان، حنا، گیاهی که در فرهنگ ایرانی نماد شادی، زیبایی و سلامت بود، در سایه مدهای پرخطر کمرنگ شده است. چرا جوان ایرانی به جای حنا، که بی‌خطر است و پس از چند هفته پاک می‌شود، به تتو روی می‌آورد که حذفش تقریباً غیرممکن است و می‌تواند بیماری‌های مرگبار را منتقل کند؟ پاسخ در غفلت نهادهای فرهنگی نهفته است. بی‌تردید جوانان مقصر نیستند چون الگویی برابر خود ندیده‌اند. در حالی که فرهنگ‌های دیگر توانسته‌اند غذاهایی مانند پیتزا و سوشی یا آیین‌هایی مانند یوگا را جهانی کنند، سنت‌های ایرانی، غذاهای ایرانی، حتی ورزش‌های ایرانی که حنابندان و نقش‌نگاری با حنا فقط مشن نمونه خروار آن است حتی میان خود ایرانیان غریب مانده‌اند. این غفلت، نتیجه کم‌کاری نهادهایی است که وظیفه حفظ و بازآفرینی فرهنگ ایرانی را برعهده دارند.

مسئولین

مسئولین فرهنگی درحالی که می‌توانند با برگزاری جشنواره‌های حنابندان، تولید محصولات آرایشی مبتنی بر حنا، یا آموزش طراحی‌های مدرن با الهام از نقوش سنتی، این آیین را برای جوانان جذاب کنند؛ فرصت را برای ورود مدهای غربی به فرهنگ غیوررسمی مانند تتو یا تبلیغات پرزرق و برق باز گذاشته‌اند

از حنای بهشتی تا زخم تتو

گروه فرهنگ وهنرا

قباد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، زنگ خطر را به صدا درآورده است.

«تتو و پیرسینگ در شرایط غیربهداشتی می‌توانند ایدز

و هیپاتیت را منتقل کنند.»

وی می‌گوید با افزایش

تتو و پیرسینگ‌های

غیربهداشتی، خطر انتقال

ویروس ایدز و هیپاتیت بالا

رفته و پیش‌بینی می‌شود

حدود ۴۰ هزار نفر در کشور

میتلایه ایدز باشند که از

این تعداد تاکنون تقریباً

۲۵ تا ۲۶ هزار نفر شناسایی

شده‌اند و بقیه ممکن است

از ابتلای خود بی‌خبر

باشند.



فراخوان عمومی یک مر حله‌ای

فراخوان عمومی یک مر حله‌ای زیر سازی و آسفالت محلات منطقه چهار



شهرداری بندرعباس

برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ ساعت: ۱۲:۰۰

- مهلت دریافت اسناد فراخوان:شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ ساعت: ۱۹:۰۰

- مهلت ارسال پیشنهادات:سه شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ ساعت: ۱۹:۰۰

- زمان بازگشایی پاکت ها: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۹ ساعت: ۸:۰۰

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : شهرداری بندرعباس به آدرس بلوار امام خمینی (ره) شماره ۰۲۹۶۳۲۶۲۵۰۷

روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری بندرعباس

شناسه آگهی: ۱۹۷۵۴۱۲

افزایش کافه‌نشینی در شهرهای بزرگ؛ از کافه لقانطه تا قهوه لاته

پاتوقی برای شهروندان خسته

۱۰۰ سال پس از نخستین کافه‌های تهران، امروز کافه‌نشینی جزئی از سبک زندگی شهری و تلاشی برای حفظ آرامش در فضای متلاطم اجتماعی است

پروانه توکلی هفت صبح

از پیشینه حدود ۱۰۰ساله کافه‌نشینی‌های ایران معاصر که بگذریم، بیش از یک دهه است که قدم به قدم خیابان‌های اغلب شهرها، ویرتین کافه‌هایی کوچک و بزرگ با حضور مسافرانی از انواع مشتریان شهر خودنمایی می‌کنند. این پدیده که تاریخچه‌های خواندنی‌ی از آفریقا تا پاریس و اروپا و آمریکا تا خاورمیانه دارد، به دنبال برخی تغییرات اجتماعی در چند سال اخیر ایران نیز در حالت نوعی پاتوق ایجاد روابط در دنیای امروز شهرزندی، جذابیت یافته است. از نظر برخی کافه‌نشینان، کافه اغلب نه فقط جایی برای رفع خستگی یا گرسنگی که به محلی برای آرام کردن ذهن یا مجالی برای بحث و نظر تبدیل شده است. در این باره گزارش «هفت‌صبح» را با مرور دلایل زیاد شدن کافه‌نشینی و وضعیت آن در ایران را بخوانید.

آغاز کافه‌نشینی ایرانی با لقانطه

اگر بخواهیم از حال و هوای نخستین کافه‌ها و کافه‌نشینی‌ها در ایران مطلع شویم، به وضوح باید خودمان را برای جست‌وجو در چگونگی آغاز تفکر مدرن در دورهمی‌های تهران قدیم آماده کنیم تا جایی که بدینان آن روزها مفهوم کافه و اندیشه‌گری، جانشدنی بوده و تبادل ایده و نظر در کافه‌نشینی، امری ضروری برای رشد فکری و وقت‌گذرانی طلائه‌انه نخبگان به شمار می‌آمده است. در این باره شاید خیلی‌ها از کافه نسادری نام ببرند، ولسی باید به جرات بگویم که حدود ۱۰۰سال پیش و زمانی که کافه «لقانطه» در خیابان باب‌همایون تهران گشایش یافت، مکانی برای تبادل اندیشه

و تفریح اجتماعی نخبگان علمی، ادبی و هنری به وجود آمد و اصالت تأسیس آن به همین منظور رخ داده، نه فقط استراحتگاهی برای تغییر حال!

❖ **رواج روشنگری؛ انگیزه ایجاد کافه در تهران قدیم**
در خفقان دوران قاجاریه، کافه لقانطه را یک دانشجوی تحصیل کرده و اروپا رفته، با نام «فلاح‌محسن خان مولایی» بسرای بحث‌های روشنگرانه و

کافه لقانطه و جعفر شهری

در ابتدای این خیابان [باب‌همایون] کافه‌ای بود به نام «لقانطه» که آن را غلامحسین خان لقانطه دایر کرده و صورتی آبرومند به آن داده بود؛ مشابه آن را هم یکی در میدان بهارستان برپا ساخته بود. در جلوی این لقانطه حوض کاشی زیبایی وسط پیاده‌رو ساخته بود که از نهر خیابان لوله‌کشی شده، فواره‌ای در وسط آن فوران می‌نمود، علاوه بر جریان قسمتی از آب نهر که از آن عبور می‌کرد و دور آن را گل و گلدان و قلیان‌های بلور بادگیر نقره چیده حاشیه کنار نهر خیابان را چمن‌کاری داده و گلکاری نموده صفا و جلا و زیبایی جداگانه بآن داده

دورهمی‌های وطنی درس‌خوانده‌ها تأسیس کرد. از سوی دیگر، این کافه، محل تنفس فکری

فرنگ‌رفته‌هایی بود که دور هم جمع شدن را از خیابان باب‌همایون شروع کردند. این در حالی‌ست که اغلب غذاها و نوشیدنی‌هایی که در نخستین کافه‌های تهران سرو می‌شد، تفاوت زیادی بامنوی کافه‌های این روزها دارد. آن روزها بساط چای کمر باریک و قهوه‌های جگری و انواع غذا و سالادهای سنتی همراه با انواع نوشیدنی‌های خنک، کیک و دسر و بستنی در شمایل کافه‌ای، سلیقه مخاطب را شکل می‌داده و حفظ اصالت مزه‌های نوشیدنی و دانه‌های قهوه، اصلی‌ترین دغدغه کافه‌دارها بوده، همچنان که این سنت را هنوز هم بسیاری از کافه‌داران اجرا می‌کنند.

مجال آرامش و ارتباط برای مسافر خسته شهر

در هر حال ایمن روزها کمتر خیابانی را در شهرهای ایران سراغ داریم که نام یک کافه را بر دیوار خود نصب نکرده باشد و کم نیستند کافی‌شاپ‌ها یا کافه‌هایی که سلیقه‌ها و لوکیشن‌های خلاقانه‌ای را به کار گرفته‌اند که غالباً گردشگر خسته شهرهای بزرگ را به رویاپردازی، مدیتیشن یا حال و هوای اغلب مثبت هیجان‌آور وامی‌دارد.

این مکان‌های غالباً دلنشین، مجال دیدار و گفت‌وگو را هم در دل خود دارد و خیلی وقت‌ها فرصت‌های دورهم‌نشینی است و شاید مهلتی برای آغاز آشنایی و روابط شغلی یا اجتماعی!

❖ **باز خوانی یک مورد عجیب؛ دانشگاه مقابل کافه**
یکی از عجیب‌ترین رویدادهایی که کافه‌های کشور در سال‌های گذشته با آن روبه‌رو شده‌اند، به شهرپور سال ۱۴۰۲ بازمی‌گردد؛ زمانی که نامه رئیس وقت دانشگاه تهران خطاب به وزیر علوم دولت سیزدهم منتشر شد که در آن عنوان شده بود: «به منظور صیانت از فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی و جلوگیری از اشاعه فرهنگ غیرخودی در طول یک‌سال‌ونیم گذشته تمام کافه‌های اطراف دانشگاه تعطیل و جمع‌آوری شده‌اند». پیگیری‌های رسانه‌ای آن زمان البته صحت نامه رئیس دانشگاه را تأیید نکرد ولی گفت‌وگو با صاحبان کافه‌های اطراف دانشگاه تهران در آن سال‌ها نشان می‌داد که این دانشگاه، وقت و بی‌وقت و به بهانه‌های واهی، کافه‌داران را تهدید به بستن بساط آنها می‌کرد.

جامعه

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۱۲ | یکشنبه | ۱۲ مرداد ۱۴۰۴ |



روی دیگر سکه

ازدیاد کافه‌ها

گذشته از انگیزه‌های اصلی ایجاد کافه‌ها، آنچه در سال‌های اخیر درباره صنعت یا فرهنگ کافه‌داری به چشم می‌آید، ازدیاد روزبه‌روز کافه‌هاست-گویا نیازی وافر به این زیاد شدن‌ها وجود دارد؛ تعدادی که از سوی گویای فرار مردم از دوران انزوای کوتاه و طولانی در وضعیت‌های مختلف-اجتماعی است و روی دیگر سکه آن، یعنی پناه آوردن مردم به حداقل‌های سرگرمی و تفریحات را به دلیل محدودیت‌های متعدد اقتصادی به‌رخ می‌کشد؛ همان‌طور که به اعتقاد برخی مدیران کافه‌ها، به همان دورهمی و گپ و گفت‌وگو و مزه کردن طعم‌های کافی‌شاپی و در حالت ایده‌آل تر، سفارش غذا با حجم کمتر ختم می‌شود.

صدها روایت در دل شهر

هر مکانی مانند «کافه» صدها روایت متفاوت در دل خود دارد که نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ موضوعی که رفته‌یم و برخی دلایل آن را از زبان چند مدیر کافه شنیدیم. در این باره «مهرازا» یکی از کافه‌داران غرب تهران می‌گوید: کیفیت برای مشتریان ما که اغلب از طبقه متوسط هستند، مهم است. گروهی از مردم هم خواهان تعطیل نشدن کافه بعد از ساعت ۱۲ شب هستند و منطقه ما تقریباً تنها منطقه‌ای است که این مجوز را ندارد. وی توضیح می‌دهد که به‌دلیل نیازهای جامعه شهری، زیاد شدن کافه‌ها موضوع بدی نیست و تأکید می‌کند که به طور واضح، ایجاد آرامش در محیط کافه همواره مهم‌ترین خواسته مردم بوده است.

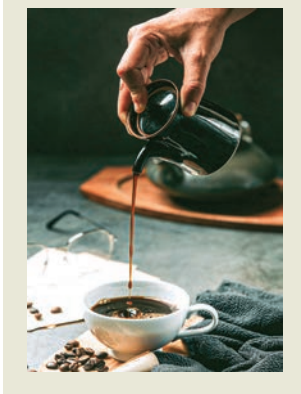
کافه‌داری نیازمند مطالعه

به اعتقاد بسیاری از مشتریان همیشه‌گی کافه‌ها و مدیران این صنعت، در روزهایی زندگی می‌کنیم که کافه رفتن احتمالاً با وجود مطلوبیت بالا، به نوعی کف سرگرمی‌های شهروندی هم محسوب می‌شود. با این حال بر خور داری از دانش و تکنولوژی این صنعت، به کارگیری تجهیزات دستگاهی جدید و موثر و حتی طراحی محیط کافه‌ای تا حسن رفتار کارکنان، جزو

بود. تابستان‌ها با چیدن میز و صندلی در پیاده‌رو و زمستان‌ها از مشتریان در داخل پذیرایی می‌نمود. بنا بر رسم زمان چای و قلیان در درجه اول متاع این کافه یا لقانطه یا قهوه‌خانه بود و قهوه دومین آن که هنوز در اینجا خلاف سایر قهوه‌خانه‌های دیگر که در آنها فروش قهوه به کلی از میان رفته بود به طالبان فروخته می‌شد و در تابستان‌ها انواع شربت‌آلات مانند شربت به‌لیمو، سکجین، شربت البالو، شربت ربواس و همچنین بستنی و فالوده که عرضه می‌گردید. اگر چه این کافه مانند سایر قهوه‌خانه‌ها از پیش از آفتاب دایر و بعد از

کافه‌نشینی؛ هم‌زاد با عصر روشنگری

کافه‌نشینی در دنیا با مفهوم مدرنیسم و خروج اروپا از قرون وسطی گره خورده است. البته عده‌ای معتقدند که این فرهنگ از شرق به غرب سرایت کرده و با این حال، آنچه به عنوان رسم مالوف کافه‌نشینی در دنیا شناخته می‌شود، نخست در اروپای قرن هفدهم و در کشورهایی چون انگلستان دیده شد. عده‌ای حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و معتقدند که پس از هر جنبش اجتماعی در کشورها، فرهنگ کافه‌نشینی هم غلظت بیشتری یافته و از همین رو معتقدند که این فرهنگ را می‌توان به مثابه زنده و پویا بودن یک کشور دانست.



❖ **کافه‌داری نیازمند مطالعه**
ضرورت‌هاست. «پورصدیق» مدیر یکی از شعب کافه‌ای در شمال غرب تهران، درباره وضعیت امروز کافه‌ها و زیاد شدن کافه‌نشینی می‌گوید: به نظر من خیلی‌ها حتی برای خوردن چای و باقلا هم دوست دارند خانه را ترک کنند و ما سعی داریم بهترین فضا را آماده کنیم؛ ایجاد مکانی مانند کتابخانه همراه با موسیقی محلی و فضاهایی که به مذاکرات و دیدارهای کاری و خانوادگی اختصاص یافته‌اند، می‌تواند از جاذبه‌های کافه‌داری باشد. وی معتقد است که توسعه‌ای حکایت دارند.

بین مردم جابجفتد و تعداد کافه‌ها زیاد شود، چون مردم تفریح دیگری ندارند و حتی راه‌اندازی کافه‌های بیشتر هم موضوع مثبتی است به شرط

آنکه کار با مطالعه آغاز شود چون کار نایخته برخی افراد به دیگری که قرار است از آن نیز برق گرفته شروع کرده‌اند، هم آسیب می‌زند و بدون تحقیق و مطالعه هر کاری با شکست مواجه می‌شود.

شروع روزی خوب در دل کافه‌های شهر

کافه‌داری و کافه‌نشینی در کشورهای اروپایی موضوعی تثبیت شده است. پورصدیق در این باره می‌گوید: اروپایی‌ها برخی روزها و صبحانه را هم با کافه شروع می‌کنند. خیلی جاها در ک کشورهایی چون انگلستان دیده شد. عده‌ای حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و معتقدند که پس از هر جنبش اجتماعی در کشورها، فرهنگ کافه‌نشینی هم غلظت بیشتری یافته و از همین رو معتقدند که این فرهنگ را می‌توان به مثابه زنده و پویا بودن یک کشور دانست.

مدیریت کافه، کار همه نیست!

با این حال برخی فکر می‌کنند که یکی از دلایل زیاد شدن کافه‌ها این است که تأسیس کنندگان گمان می‌کنند خیلی زود به آورده اقتصادی بالایی دست می‌یابند. «کیانوش» مدیر یکی از کافه‌های شهر ک اکباتان همه اجزای کافه بهترین لذت‌را ببرند. در مجموع می‌توان گفت غیر از وجود نیازهایی که در هر دوره اجتماعی منجر به تغییر شکل ظاهر و کالبد جوامع می‌شود، وجود کافه‌های بیشتر در دل شهرهای ایران، از تغییرات روزافزون اجتماعی، به دنبال نوسانات اقتصادی، انسانی، اخلاقی و توسعه‌ای حکایت دارند.

گزارش

نگاهی به نظرات منتقدان و موافقان زباله‌سوزی در پایتخت

چالش‌های دفع زباله در تهران

«زباله‌سوزی» و هراس از افزایش آلودگی در تهران

❖ **گروه اجتماعی** | سرنوشت امحای زباله‌های تهران و سایر کلانشهرها سال‌هاست که به یکی از چالش‌های جدی کشور بدل شده؛ موضوعی که شهرداری تهران، در مقام مدیر شهری بر امحای آنها از طریق دستگاه‌های زباله‌سوزی تأکید دارد و در مقابل، مخالفان و منتقدان، نگران افزایش آلاینده‌ها و بوی نامطبوع در کشور هستند.

این جدال، البته برای امروز و دیروز نیست و نمونه آن دستگاه زباله‌سوزی بود که در دوره مدیریت شهری قبلی از چین برای نصب در تهران وارد شد اما به جای پایتخت، سر از قم درآورد و باز تهران ماند و روزانه ۷ هزار تن زباله‌ای که باید فکری برای آن بشود. پس از آن گفته شد قرار است دستگاه دیگری خریداری شود و حتی اعلام شد که مشخصات دستگاه مذکور نیز به شرکت چینی اعلام شده و به‌زودی این زباله‌سوز وارد کشور می‌شود که خبری نشد. دو سال بعد، شهرداری تهران دوباره اعلام کرد که می‌خواهد زباله‌سوزی با مشخصات جدید به چین سفارش دهد که البته باز هم به‌زودی آماده و احتمالاً تا پایان سال به تهران خواهد رسید؛ زباله‌سوزی که قرار است از آن نیز برق گرفته شود. معاون خدمات شهری شهرداری هم گفت: «چاره‌ای نداریم جز آنکه بخش زیادی از زباله را بسوزانیم تا بتوانیم ضمن مدیریت پسماند، در کاهش ناترازی انرژی نیز نقش ایفا کرده و برای شهر تهران برق تولید کنیم. این اقدام از یک‌سو باعث نجات محیط‌زیست، شهر و حتی خود ما از دفع روزانه چند هزار تن زباله می‌شود و از سوی دیگر، می‌تواند بخشی از برق مورد نیاز شهر را تأمین کند».

چند روز قبل ولی «صدیقه ترابی» سرپرست معاونت محیط‌زیست انسانی سازمان محیط‌زیست در نشستگی که به همین منظور برگزار شده بود، بر لزوم رعایت دقیق استاندارد ملی ابلاغی سال ۱۴۰۰ سازمان ملی استاندارد در طراحی، اجرا و بهره‌برداری از نیروگاه زباله‌سوز تأکید و اعلام کرد تصمیم‌گیری نهایی منوط به ارائه گزارش اصلاحی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و تصویب آن در کمیته ارزیابی خواهد بود. پس از آن «محسن قضاतो» مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران از نزدیک شدن این سازمان به انتخاب پیمانکار ساخت نخستین زباله‌سوز مدرن خبر داد. به گفته او، اکنون مذاکرات با سه شرکت به مراحل نهایی رسیده و فرآیند ارزیابی فنی، قیمتی و زیست‌محیطی در جریان است. قضاतो با اشاره به اینکه اسناد اولیه برای شرکت‌ها را سال شده، تصریح کرد: پس از بررسی اسناد بازگشتی، پیمانکاری انتخاب می‌شود که بالاترین راندمان، مناسب‌ترین قیمت و عملکرد فنی قابل قبول داشته باشد. این روند نیازمند دقت بالاست و به همین دلیل زمانبر اما حیاتی برای آینده تهران است. او افزود: سازمان محیط‌زیست موافقت اولیه خود را اعلام کرده و بعد از انتخاب نهایی پیمانکار، مستندات فنی برای تأیید نهایی به این سازمان ارسال می‌شود.

بوی بد آشغال در سطح شهر

بوی بد و نحوه امحای زباله‌ها از مواردی بوده که باعث شده تاکنون سازمان محیط زیست تعامل چندانی به حمایت از این پروژه نداشته باشد. با این حال معاون خدمات شهری شهرداری مدعی است که ریزنی‌های زیادی با نهادهای مرتبط و از جمله محیط‌زیست انجام شده تا این پروژه به سرانجام برسد. داود گودرزی با تشریح مزایای این زباله‌سوز گفت: «این زباله‌سوز هم بوی نامطبوع را به‌طور کامل می‌گیرد و هم آلایندگی برای محیط زیست ایجاد نمی‌کند و از سوی دیگر می‌تواند بخشی از برق مورد نیاز شهر را تأمین کند». وی با تأکید بر لزوم دریافت مصوبه شورای اسلامی شهر تهران در این زمینه، ادامه داد: به‌دلیل رقم بالای قرارداد، اخذ مصوبه شورای شهر الزامی است. بر همین اساس، مصوبه لازم نیز تنظیم شده و امیدواریم عزیزان ما در شورا همراهی لازم را داشته باشند. به گفته گودرزی، در ماه‌های گذشته، جلسات متعدد با مجموعه‌هایی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی و نمایندگان مجلس برگزار شده تا همه برای تحقق این پروژه مهم کمک کنند.

تهران؛ معطل بی‌تصمیمی مسئولان

اما آیا سوزاندن زباله، گزینه نهایی برای از بین بردن زباله‌هاست؟ گودرزی در پاسخ می‌گوید: چاره‌ای نداریم جز آنکه بخش زیادی از زباله را بسوزانیم تا بتوانیم ضمن مدیریت پسماند، در کاهش ناترازی انرژی نیز نقش ایفا کرده و برای شهر تهران برق تولید کنیم. با این حال همچنان ابهاماتی در این زمینه وجود دارد. معاون خدمات شهری شهرداری تهران درباره نگرانی‌ها از آلایندگی زباله‌سوزها می‌گوید: دغدغه‌هایی درباره آلایندگی این فرایند وجود دارد اما با استفاده از تکنولوژی‌های جدید، این موارد قابل رفع است. در قراردادی که منعقد خواهد شد نیز تأکید شده شرکتی که وارد این پروژه می‌شود باید از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های روز دنیا استفاده کند. وی با اشاره به سفر انجام شده به چین برای بازدید از نمونه‌های موفق در این حوزه بیان کرد: از نزدیک دیدیم که این فناوری‌ها چگونه اجرا شده‌اند؛ هم بوی نامطبوع زباله‌ها را به طور کامل می‌گیرند و هم هیچ آلایندگی برای محیط زیست ندارند. با این حال نگاهی اجمالی به نظرات مختلف مطرح شده در مورد زباله‌سوزی، نشان می‌دهد که برخلاف ادعای شهرداری، این پروژه همچنان منتقدانی دارد که شاید مانعی باشند برای خرید این دستگاه. بدین ترتیب به نظر نمی‌رسد این دستگاه به این زودی‌ها وارد کشور شود و از آن گذشته، بتواند تأمین‌کننده بخشی از برق تهران باشد.



❖ **صدور کیفرخواست برای متهمان**
در پی تکمیل تحقیقات، برای ۷ نفر از متهمان این‌ها پرونده شامل ۳ ایرانی و ۴ عراقی، کیفرخواست صادر شده و پرونده آن‌ها جهت رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری ۱ راجع شده است. مراحل قانونی رسیدگی به جرائم آن‌ها ادامه دارد.

❖ **صدور کیفرخواست برای متهمان**
علت نگهداری در اماکن غیربهداشتی به عفونت‌های شدید مبتلا شدند و تعدادی تا آستانه مرگ پیش رفتند. این‌ان خانه، موقوف به سایر اعضای را بر می‌داشتند که برداشت آن‌ها منجر به مرگ نمی‌شده است.

متهمان اعتراف می‌کنند

❖ **دستگیری اعضای باند، آن‌ها به فریب**
بیش از ۲۰ نفر از اتباع کشورهای عراق، سودان و سوریه اعتراف کردند. متهمان اعلام کردند که این افراد را با وعده دریافت پول به ایران کشانده و پس از برداشت

اعضای بدنشان، مبالغی ناچیز به آن‌ها می‌پرداخت کرده‌اند. برخی طعمه‌ها به علت نگهداری در اماکن غیربهداشتی به عفونت‌های شدید مبتلا شدند و تعدادی تا آستانه مرگ پیش رفتند. این‌ان خانه، موقوف به سایر اعضای را بر می‌داشتند که برداشت آن‌ها منجر به مرگ نمی‌شده است.

قاچاقچیان بین‌المللی ایرانی و عراقی اعضای بدن در انتظار محاکمه

فروش کلیه تا ۷۰ میلیارد تومان

۷۰ قیمت اعضا از ۱۰ تا ۷۰ میلیارد تومان

قیمت اعضای بدن بسته به وضعیت جسمی فرد و نوع گروه خونی‌اش، از ۱۰ تا ۷۰ میلیارد تومان متغیر بود. اعضای سالم با گروه خونی نادر با قیمت‌های بسیار بالاتری فروخته می‌شدند. خریداران نیز اغلب خانواده‌هایی بودند که وضعیت مالی خوبی داشتند و برای نجات جان عزیزانشان مبالغ کلانی هزینه می‌کردند.

چگونگی افشای باند؛ یک طعمه ایشمان شد

فعالیت‌های این باند در سکوت و به‌گونه‌ای انجام می‌شد که توجه کسی را جلب نکند، تا اینکه یکی از طعمه‌ها که جوانی عراقی بود، پس از ورود به ایران و پیش از انجام عمل جراحی، از تصمیم خود منصرف شد. این جوان پیش‌تر در عراق با رضایت‌نامه

فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

اعضای یک باند بین‌المللی قاچاق اعضای بدن که با فریب اتباع خارجی، آن‌ها را به ایران منتقل کرده و اعضای بدنشان را با مبالغ میلیاردی به فروش می‌رساندند، در عملیات پلیس شناسایی و بازداشت شدند. این گروه با راه‌اندازی یک موسسه خیریه صوری در عراق، بیش از ۲۰ نفر را طعمه نقشه شوم خود کرده بودند. آنها با فریب اتباع عراقی، سوری و سودانی اعضای بدن آن‌ها را به قیمت‌هایی بین ۱۰ تا ۷۰ میلیارد تومان به فروش می‌رسانده‌اند. اعضای این باند، پنج مرد عراقی و چهار مرد ایرانی، بیش‌تر یک موسسه خیریه در عراق تأسیس کردند که در ظاهر به افراد نیازمند کمک می‌کرد، اما پشت پرده، به محل جذب افرادی تبدیل شده بود که برای دریافت کمک مالی حاضر به فروش اعضای بدن خود بودند. این افراد با شناسایی اتباعی از عراق، سودان و سوریه که تمایل به فروش کلیه، قریه چشم یا بخش‌هایی از بدن خود داشتند، وارد مذاکره شده، مقدمات سفر آن‌ها به ایران را فراهم کرده و با صدور گذرنامه، انجام مراحل اداری سفارت و تهیه بلیت، آن‌ها را به تهران منتقل می‌کردند.

	Δ			Υ	9	ƒ	Δ			Λ	
Υ			Λ	1	Υ	Υ	ƒ		Δ	Υ	Υ
	1	ƒ		Υ				Λ	ƒ	Δ	
Υ		1	9				9		Λ	ƒ	
Υ	Λ	Δ	1				Υ	1	Δ	Υ	
	Δ	ƒ		Υ			Δ	Υ		1	
	Λ	Υ	ƒ				9		1	Υ	
9		Υ	Δ		Υ		1	Δ	Υ		Λ
Υ				ƒ			Υ			ƒ	

مسيح

